

کتاب امثال سلیمان نبی

مقدمه کتاب

- ۱ امثال سلیمان بن داود پادشاه اسرائیل
- ۲ به جهت دانستن حکمت و عدل، و برای فهمیدن کلمات فطانت.
- ۳ به جهت اکتساب ادب معرفت آمیز، و عدالت و انصاف و استقامت.
- ۴ تا ساده دلان را زیرکی بخشد، و جوانان را معرفت و تمیز.
- ۵ تا مرد حکیم بشنود و علم را بیفزاید. و مرد فهیم تدابیر را تحصیل نماید.
- ۶ تا امثال و کلمات را بفهمند، کلمات حکیمان و غوامض ایشان را.
- ۷ ترس یهوه آغاز علم است. لیکن جاهلان حکمت و ادب را خوار می‌شمارند.

هشدار علیه وسوسه

- ۸ ای پسر من تادیب پدر خود را بشنو، و تعلیم مادر خویش را ترک منما.
- ۹ زیرا که آنها تاج زیبایی برای سر تو، و جواهر برای گردن تو خواهد بود.
- ۱۰ ای پسر من اگر نگاهکاران تو را فریفته سازند، قبول منما.
- ۱۱ اگر گویند: «همراه ما یا تا برای خون در کمین بنشینیم، و برای بی‌گاهان بی‌جهت پنهان شویم،
- ۱۲ مثل هاویه ایشان را زنده خواهیم بلعید، و تندرست ماندآنانی که به گور فرو می‌روند.
- ۱۳ هر گونه اموال نفیسه را پیدا خواهیم نمود. و خانه های خود را از غنیمت مملو خواهیم ساخت.
- ۱۴ قرعه خود را در میان ما بینداز. و جمیع ما را یک کیسه خواهد بود.»

- ۱۵ ای پسر من با ایشان در راه مرو. و پای خود را از طریقهای ایشان باز دار
- ۱۶ زیرا که پایهای ایشان برای شرارت می دود و به جهت ریختن خون می شتابد.
- ۱۷ به تحقیق، گستردن دام در نظر هر بالدار بی فایده است.
- ۱۸ لیکن ایشان به جهت خون خود کمین می سازند، و برای جان خویش پنهان می شوند.
- ۱۹ همچنین است راههای هر کس که طماع سود باشد، که آن جان مالک خود را هلاک می سازد.

تشویق به پذیرفتن حکمت

- ۲۰ حکمت در بیرون ندا می دهد و در شوارع عام آواز خود را بلند می کند.
- ۲۱ در سر چهارراهها در دهنه دروازه ها می خواند و در شهر به سخنان خود متکلم می شود
- ۲۲ که «ای جاهلان تا به کی جهالت را دوست خواهید داشت؟ و تا به کی مستهزین از استهزا شادی می کنند و احقمان از معرفت نفرت می نمایند؟»
- ۲۳ به سبب عتاب من بازگشت نمایید. اینک روح خود را بر شما افزایم خواهی نمود و کلمات خود را بر شما اعلام خواهم کرد.
- ۲۴ زیرا که چون خواندم، شما ابا نمودید و دستهای خود را افراشتم و کسی اعتنا نکرد.
- ۲۵ بلکه تمامی نصیحت مرا ترک نمودید و توبیخ مرا نخواستید.
- ۲۶ پس من نیز در حین مصیبت شما خواهم خندید و چون ترس بر شما مستولی شود استهزا خواهم نمود.
- ۲۷ چون خوف مثل باد تند بر شما عارض شود، و مصیبت مثل گردباد به شما دررسد، حینی که تنگی و ضیق بر شما آید.

۲۸ آنگاه مرا خواهند خواند لیکن اجابت نخواهم کرد، و صبحگاهان
 مراجستجو خواهند نمود اما مرا نخواهند یافت.
 ۲۹ چونکه معرفت را مکروه داشتند، و ترس خداوند را اختیار نمودند،
 ۳۰ و نصیحت مرا پسند نکردند، و تمامی توبیخ مرا خوار شمردند،
 ۳۱ بنابراین، از میوه طریق خود خواهند خورد، و از تدابیر خویش سیر
 خواهند شد.
 ۳۲ زیرا که ارتداد جاهلان، ایشان را خواهد کشت و راحت غافلانه
 احمقان، ایشان را هلاک خواهد ساخت.
 ۳۳ اما هر که مرا بشنود در امنیت ساکن خواهد بود، و از ترس بلا
 مستتریح خواهد ماند.»

۲

فواید حکمت

۱ ای پسر من اگر سخنان مرا قبول می نمودی و اوامر مرا نزد خود نگاه
 می داشتی،
 ۲ تاگوش خود را به حکمت فرا گیری و دل خود را به فطانت مایل
 گردانی،
 ۳ اگر فهم را دعوت می کردی و آواز خود را به فطانت بلند می نمودی،
 ۴ اگر آن را مثل نقره می طلبیدی و مانند خزانه های مخفی جستجو
 می کردی،
 ۵ آنگاه ترس خداوند را می فهمیدی، و معرفت خدا را حاصل می نمودی.
 ۶ زیرا خداوند حکمت را می بخشد، و از دهان وی معرفت و فطانت صادر
 می شود.
 ۷ به جهت مستقیمان، حکمت کامل را ذخیره می کند و برای آنانی که
 در کاملیت سلوک می نمایند، سپر می باشد،
 ۸ تا طریقه های انصاف را محافظت نماید و طریق مقدسان خویش را نگاه
 دارد.

- ۹ پس آنگاه عدالت و انصاف را می فهمیدی، و استقامت و هر طریق نیکو را.
- ۱۰ زیرا که حکمت به دل تو داخل می شد و معرفت نزد جان تو عزیز می گشت.
- ۱۱ تمیز، تو را محافظت می نمود، و فطانت، تو را نگاه می داشت،
- ۱۲ تا تو را از راه شریرانهایی بخشد، و از کسانی که به سخنان حج متکلم می شوند.
- ۱۳ که راههای راستی را ترک می کنند، و به طریقههای تاریکی سالک می شوند.
- ۱۴ از عمل بد خشنودند، و از دروغهای شریر خرسندند.
- ۱۵ که در راههای خود معوجند، و در طریقههای خویش حج رومی باشند.
- ۱۶ تا تو را از زن اجنبی رهایی بخشد، و از زن بیگانه ای که سخنان تملق آمیز می گوید؛
- ۱۷ که مصاحب جوانی خود را ترک کرده، و عهد خدای خویش را فراموش نموده است.
- ۱۸ زیرا خانه او به موت فرو می رود و طریقههای او به مردگان.
- ۱۹ کسانی که نزد وی روند برنخواهند گشت، و به طریقههای حیات نخواهند رسید.
- ۲۰ تا به راه صالحان سلوک نمایی و طریقههای عادلان را نگاه داری.
- ۲۱ زیرا که راستان در زمین ساکن خواهند شد، و کاملان در آن باقی خواهند ماند.
- ۲۲ لیکن شیران از زمین منقطع خواهند شد، و ریشه خیانتکاران از آن کنده خواهد گشت.

سایر فواید حکمت

- ۱ ای پسر من، تعلیم مرا فراموش مکن و دل تو اوامر مرا نگاه دارد،
- ۲ زیرا که طول ایام و سالهای حیات و سلامتی را برای تو خواهد افزود.

- ۳ زنهار که رحمت و راستی تو را ترک نکند. آنها را بر گردن خود ببند و بر لوح دل خود مرقوم دار.
- ۴ آنگاه نعمت و رضامندی نیکو، در نظر خدا و انسان خواهی یافت.
- ۵ به تمامی دل خود بر خداوند توکل نما و بر عقل خود تکیه مکن.
- ۶ در همه راههای خود او را بشناس، و او طریقیهایت را راست خواهد گردانید.
- ۷ خویشتن را حکیم مپندار، از خداوند بترس و از بدی اجتناب نما.
- ۸ این برای ناف تو شفا، و برای استخوانهایت مغز خواهد بود.
- ۹ از مایملک خود خداوند را تکریم نما و از نوبرهای همه محصول خویش.
- ۱۰ آنگاه انبارهای تو به وفور نعمت پر خواهد شد، و چرخشهای تو از شیره انگور لبریز خواهد گشت.
- ۱۱ ای پسر من، تادیب خداوند را خوار مشممار، و تو بیخ او را مگروه مدار.
- ۱۲ زیرا خداوند هر که را دوست دارد تادیب می نماید، مثل پدر پسر خویش را که از او مسرور می باشد.
- ۱۳ خوشباجال کسی که حکمت را پیدا کند، و شخصی که فطانت را تحصیل نماید.
- ۱۴ زیرا که تجارت آن از تجارت نقره و محصولش از طلای خالص نیکوتر است.
- ۱۵ از لعلها گرانبها تر است و جمیع نفایس تو با آن برابری نتواند کرد.
- ۱۶ به دست راست وی طول ایام است، و به دست چپش دولت و جلال.
- ۱۷ طریقیهای وی طریقیهای شادمانی است و همه راههای وی سلامتی می باشد.
- ۱۸ به جهت آنانی که او را به دست گیرند، درخت حیات است و کسی که به او متمسک می باشد نجسته است.
- ۱۹ خداوند به حکمت خود زمین را بنیاد نهاد، و به عقل خویش آسمان را استوار نمود.

- ۲۰ به علم او لجه‌ها منشق گردید، و افلاک شبم رامی چکانید.
- ۲۱ ای پسر من، این چیزها از نظر تودور نشود. حکمت کامل و تمیز را نگاه دار.
- ۲۲ پس برای جان تو حیات، و برای گردنت زینت خواهد بود.
- ۲۳ آنگاه در راه خود به امنیت سالک خواهی شد، و پایت نخواهد لغزید.
- ۲۴ هنگامی که بخوابی، نخواستی ترسید و چون دراز شوی خوابت شیرین خواهد شد.
- ۲۵ از خوف ناگهان نخواستی ترسید، و نه از خرابی شیران چون واقع شود.
- ۲۶ زیرا خداوند اعتماد تو خواهد بود و پای تو را از دام حفظ خواهد نمود.
- ۲۷ احسان را از اهلش باز مدار، هنگامی که بجا آوردنش در قوت دست توست.
- ۲۸ به همسایه خود مگو برو و بازگرد، و فردا به تو خواهیم داد، با آنکه نزد تو حاضر است.
- ۲۹ بر همسایه ات قصد بدی مکن، هنگامی که او نزد تو در امنیت ساکن است.
- ۳۰ با کسی که به تو بدی نکرده است، بی سبب محاصمه منما.
- ۳۱ بر مرد ظالم حسد مبر و هیچکدام از راههایش را اختیار مکن.
- ۳۲ زیرا کج خلقان نزد خداوند مکروهند، لیکن سر او نزد راستان است،
- ۳۳ لعنت خداوند بر خانه شیران است. اما مسکن عادلان را برکت می دهد.
- ۳۴ یقین که مستهزئین را استهزا می نماید، اما متواضعان رافض می بخشد.
- ۳۵ حکیمان وارث جلال خواهند شد، اما احمقان نجالت را خواهند برد.

- ۱ ای پسران، تادیب پدر را بشنوید و گوش دهید تا فطانت را بفهمید،
 ۲ چونکه تعلیم نیکو به شما می‌دهم. پس شریعت مرا ترک ننمایید.
- ۳ زیرا که من برای پدر خود پسر بودم، و در نظر مادرم عزیز و یگانه.
 ۴ و او مرا تعلیم داده، می‌گفت: «دل تو به سخنان من متمسک شود،
 و اوامر مرا نگاه دار تا زنده بمانی.
- ۵ حکمت را تحصیل نما و فهم را پیدا کن. فراموش مکن و از کلمات
 دهانم انحراف موز.
- ۶ آن را ترک منما که تو را محافظت خواهد نمود. آن را دوست دار
 که تو را نگاه خواهد داشت.
- ۷ حکمت از همه چیز افضل است. پس حکمت را تحصیل نما و به هر آنچه
 تحصیل نموده باشی، فهم را تحصیل کن.
- ۸ آن را محترم دار، و تو را بلند خواهد ساخت. و اگر او را در آغوش
 بکشی تو را معظم خواهد گردانید.
- ۹ بر سر تو تاج زیبایی خواهد نهاد. و افسر جلال به تو عطا خواهد نمود.»
- ۱۰ ای پسر من بشنو و سخنان مرا قبول نما، که سالهای عمرت بسیار خواهد
 شد.
- ۱۱ راه حکمت را به تو تعلیم دادم، و به طریقه‌های راستی تو راهدایت
 نمودم.
- ۱۲ چون در راه بروی قدمهای توتنگ نخواهد شد، و چون بدوی لغزش
 نخواهی خورد.
- ۱۳ ادب را به چنگ آور و آن را فرو مگذار. آن را نگاه دار زیرا که
 حیات تو است.
- ۱۴ به راه شیران داخل مشو، و در طریق نگاهکاران سالک مباش.
- ۱۵ آن را ترک کن و به آن گذر منما، و از آن اجتناب کرده، بگذر.
- ۱۶ زیرا که ایشان تا بدی نکرده باشند، نمی‌خواهند و اگر کسی را نلغزانیده
 باشند، خواب از ایشان منقطع می‌شود.

- ۱۷ چونکه نان شرارت را می‌خورند، و شراب ظلم را می‌نوشند.
- ۱۸ لیکن طریق عادلان مثل نور مشرق است که تا نهار کامل روشنایی آن در تزايدی باشد.
- ۱۹ و اما طریق شیریران مثل ظلمت غلیظاست، و نمی‌دانند که از چه چیز می‌لغزند.
- ۲۰ ای پسر من، به سخنان من توجه نما و گوش خود را به کلمات من فرا گیر.
- ۲۱ آنها از نظر تو دور نشود. آنها را در اندرون دل خود نگاه دار.
- ۲۲ زیرا هر که آنها را بیابد برای او حیات است، و برای تمامی جسد او شفا می‌باشد.
- ۲۳ دل خود را به حفظ تمام نگاه دار، زیرا که مخرج های حیات از آن است.
- ۲۴ دهان دروغگو را از خود بینداز، و لبهای کج را از خویشتن دور نما.
- ۲۵ چشمانت به استقامت نگران باشد، و مژگانگت پیش روی تو راست باشد.
- ۲۶ طریق پایهای خود را هموار بساز، تا همه طریقهای تو مستقیم باشد.
- ۲۷ به طرف راست یا چپ منحرف مشو، و پای خود را از بدی نگاه دار.

۵

هشدار در مورد زنا

- ۱ ای پسر من، به حکمت من توجه نما، و گوش خود را به فطانت من فرا گیر،
- ۲ تا تدابیر را محافظت نمایی، و لهایت معرفت را نگاه دارد.
- ۳ زیرا که لبهای زن اجنبی عسل را می‌چکاند، و دهان او از روغن ملایم تر است.
- ۴ لیکن آخر او مثل افسنتین تلخ است و برنده مثل شمشیر دودم.
- ۵ پایهایش به موت فرو می‌رود، و قدمهایش به هاویه متمسک می‌باشد.

- ۶ به طریق حیات هرگز سالک نخواهد شد. قدمهایش آواره شده است و او نمی داند.
- ۷ و الان ای پسرانم مرا بشنوید، و از سخنان دهانم انحراف موزید.
- ۸ طریق خود را از او دور ساز، و به در خانه او نزدیک مشو.
- ۹ مبادا عنفوان جوانی خود را به دیگران بدهی، و سالهای خویش را به ستم کیشان.
- ۱۰ و غریبان از اموال تو سیر شوند، و ثمره محنت تو به خانه بیگانه رود.
- ۱۱ که در عاقبت خودنوحه گری نمایی، هنگامی که گوشت و بدنت فانی شده باشد،
- ۱۲ و گویی چرا ادب را مکروه داشتم، و دل من تنبیه را خوار شمرد،
- ۱۳ و آواز مرشدان خود را نشنیدم، و به معلمان خود گوش ندادم.
- ۱۴ نزدیک بود که هر گونه بدی را مرتکب شوم، در میان قوم و جماعت.
- ۱۵ آب را از منبع خود بنوش، و نهرهای جاری را از چشمه خویش.
- ۱۶ جویهای تو بیرون خواهد ریخت، و نهرهای آب در شوارع عام،
- ۱۷ و از آن خودت به تنهایی خواهد بود، و نه از آن غریبان با تو.
- ۱۸ چشمه تو مبارک باشد، و از زن جوانی خویش مسرور باش،
- ۱۹ مثل غزال محبوب و آهوی جمیل. پستانهایش تو را همیشه خرم سازد، و از محبت او دائم محفوظ باش.
- ۲۰ لیکن ای پسر من، چرا از زن بیگانه فریفته شوی؟ و سینه زن غریب را در برگیری؟
- ۲۱ زیرا که راههای انسان در مدنظر خداوند است، و تمامی طریقهای وی را می سنجد.
- ۲۲ تقصیرهای شیر او را گرفتار می سازد، و به بندهای گاهان خود بسته می شود.
- ۲۳ او بدون ادب خواهد مرد، و به کثرت حماقت خویش تلف خواهد گردید.

۶

جلوه های جهالت

- ۱ ای پسر، اگر برای همسایه خود ضامن شده، و به جهت شخص بیگانه دست داده باشی،
- ۲ و از سخنان دهان خود در دام افتاده، و از سخنان دهانت گرفتار شده باشی،
- ۳ پس ای پسر، این را بکن و خویشتن را رهایی ده چونکه به دست همسایه ات افتاده ای. برو و خویشتن را فروتن ساز و از همسایه خود التماس نما.
- ۴ خواب را به چشمان خود راه مده، و نه پینکی رابه مژگان خویش.
- ۵ مثل آهو خویشتن را از کندو مانند گنجشک از دست صیاد خلاص کن.
- ۶ ای شخص کاهل نزد مورچه برو، و در راههای او تامل کن و حکمت را بیاموز،
- ۷ که وی را پیشوایی نیست و نه سرور و نه حاکی.
- ۸ اما خوراک خود را تابستان مهیا می سازد و آذوقه خویش را در موسم حصاد جمع می کند.
- ۹ ای کاهل، تا به چند خواهی خوابید و از خواب خودکی خواهی برخاست؟
- ۱۰ اندکی خفت و اندکی خواب، و اندکی بر هم نهادن دستها به جهت خواب.
- ۱۱ پس فقر مثل راهزن بر تو خواهد آمد، و نیازمندی بر تو مانند مرد مسلح.
- ۱۲ مرد لئیم و مرد زشت خوی، با اعوجاج دهان رفتار می کند.
- ۱۳ با چشمان خود غمزه می زند و با پایهای خویش حرف می زند. بانگشتهای خویش اشاره می کند.
- ۱۴ در دلش دروغها است و پیوسته شرارت را اختراع می کند. نزاعها را می پاشد.

۱۵ بنابراین مصیبت بر او ناگهان خواهد آمد. در لحظه‌ای منکسر خواهد شد و شفا نخواهد یافت.

۱۶ شش چیز است که خداوند از آنها نفرت دارد، بلکه هفت چیز که نزد جان وی مکروه است.

۱۷ چشمان متکبر و زبان دروغگو، و دستهایی که خون بی‌گناه را می‌ریزد.

۱۸ دلی که تدابیر فاسد را اختراع می‌کند. پایهایی که در زبان کاری تیزرو می‌باشند.

۱۹ شاهد دروغگو که به کذب متکلم شود. و کسی که در میان برادران نزاعها پیاشد.

۲۰ ای پسر من اوامر پدر خود را نگاه دار و تعلیم مادر خویش را ترک منما.

۲۱ آنها را بردل خود دائم ببند، و آنها را بر گردن خویش بیاویز.

۲۲ حینی که به راه می‌روی تو را هدایت خواهد نمود، و حینی که می‌خواهی بر تو دیده بانی خواهد کرد، و وقتی که بیدار شوی با تو مکالمه خواهد نمود.

۲۳ زیرا که احکام (ایشان) چراغ و تعلیم (ایشان) نور است، و توبیخ تدبیرآمیز طریق حیات است.

۲۴ تا تو را از زن خبیثه نگاه دارد، و از چاپلوسی زبان زن بیگانه.

۲۵ در دلت مشتاق جمال وی مباش، و از پلکهایش فریفته مشو،

۲۶ زیرا که به سبب زن زانیه، شخص برای یک قرص نان محتاج می‌شود،

و زن مرد دیگر، جان گرانها را صید می‌کند.

۲۷ آیا کسی آتش را در آغوش خود بگیرد و جامه‌اش سوخته نشود؟

۲۸ یا کسی بر اخترهای سوزنده راه رود و پایهایش سوخته نگردد؟

۲۹ همچنین است کسی که نزد زن همسایه خویش داخل شود، زیرا هر که

او را لمس نماید بی‌گناه نخواهد ماند.

- ۳۰ دزد را اهانت نمی کنند اگر دزدی کند تاجان خود را سیر نماید وقتی که گرسنه باشد.
- ۳۱ لیکن اگر گرفته شود، هفت چندان رد خواهد نمود و تمامی اموال خانه خود را خواهد داد.
- ۳۲ اما کسی که با زنی زنا کند، ناقص العقل است و هر که چنین عمل نماید، جان خود را هلاک خواهد ساخت.
- ۳۳ او ضرب و رسوایی خواهد یافت، و ننگ او محو نخواهد شد.
- ۳۴ زیرا که غیرت، شدت خشم مرد است و در روز انتقام، شفقت نخواهد نمود.
- ۳۵ بر هیچ کفاره‌ای نظر نخواهد کرد و هر چند عطایا را زیاده کنی، قبول نخواهد نمود.

۷

هشدار درباره زنا

- ۱ ای پسر من سخنان مرا نگاه دار، و اوامر مرا نزد خود ذخیره نما.
- ۲ اوامر مرا نگاه دار تا زنده بمانی، و تعلیم مرا مثل مردمک چشم خویش.
- ۳ آنها را بر انگشتهای خود ببند و آنها را بر لوح قلب خود مرقوم دار.
- ۴ به حکمت بگو که تو خواهر من هستی و فهم را دوست خویش بخوان
- ۵ تا تو را از زن اجنبی نگاه دارد، و از زن غریبی که سخنان تملق آمیز می گوید.
- ۶ زیرا که از دریچه خانه خود نگاه کردم، و از پشت شبکه خویش.
- ۷ در میان جاهلان دیدم، و در میان جوانان، جوانی ناقص العقل مشاهده نمودم،
- ۸ که در کوچه بسوی گوشه او می گذشت. و به راه خانه وی می رفت،
- ۹ در شام در حین زوال روز، در سیاهی شب و در ظلمت غلیظ،
- ۱۰ که اینک زنی به استقبال وی می آمد، در لباس زانیه و در خباثت دل.

- ۱۱ زنی یاوه گو و سرکش که پایبایش در خانه اش قرار نمی گیرد.
- ۱۲ گاهی در کوچه ها و گاهی در شوارع عام، و نزد هر گوشه ای در کمین می باشد.
- ۱۳ پس او را بگرفت و بوسید و چهره خود را بی حیا ساخته، او را گفت:
- ۱۴ «نزد من ذبایح سلامتی است، زیرا که امروز نذرهای خود را وفا نمودم.»
- ۱۵ از این جهت به استقبال تو بیرون آمدم، تا روی تو را به سعی تمام بطلم و حال تو را یافتم.
- ۱۶ بر بستر خود دوشکها گسترانیده ام، با دیباها از گنان مصری.
- ۱۷ بستر خود را با مر و عود و سلیخه معطر ساخته ام.
- ۱۸ بیاتای صبح از عشق سیر شویم، و خویشتن را از محبت خرم سازیم.
- ۱۹ زیرا صاحبخانه در خانه نیست، و سفر دور رفته است.
- ۲۰ کیسه نقره ای به دست گرفته و تا روز بدر تمام مراجعت نخواهد نمود.»
- ۲۱ پس او را از زیادتی سخنانش فریفته کرد، و از تملق لبهای او را اغوا نمود.
- ۲۲ در ساعت از عقب او مثل گاوی که به سلاخ خانه می رود، روانه شد و مانند احمق به زنجیرهای قصاص.
- ۲۳ تا تیر به جگرش فرورود، مثل گنجشکی که به دام می شتابد و نمی داند که به خطر جان خود می رود.
- ۲۴ پس حال ای پسران مرا بشنوید، و به سخنان دهانم توجه نمایید.
- ۲۵ دل توبه راههایش مایل نشود، و به طریقه های گمراه مشو،
- ۲۶ زیرا که او بسیاری را مجروح انداخته است، و جمیع کشتگانش زور آوراند.
- ۲۷ خانه او طریق هاویه است و به جره های موت مودی می باشد.

- ۱ آیا حکمت ندا نمی کند، و فطانت آواز خود را بلند نمی نماید؟
- ۲ به سر مکان های بلند، به کنار راه، در میان طریقه ها می ایستد.
- ۳ به جانب دروازه ها به دهنه شهر، نزد مدخل دروازه ها صدا می زند.
- ۴ که شما را ای مردان می خوانم و آواز من به بنی آدم است.
- ۵ ای جاهلان زیرکی را بفهمید وای احمقان عقل را درک نمایید.
- ۶ بشنوید زیرا که به امور عالیه تکلم می نمایم و گشادن لبایم استقامت است.
- ۷ دهانم به راستی تنطق می کند و لبایم شرارت را مکروه می دارد.
- ۸ همه سخنان دهانم برحق است و در آنها هیچ چیز کج یا معوج نیست.
- ۹ تمامی آنها نزد مرد فهمیم واضح است و نزد یابندگان معرفت مستقیم است.
- ۱۰ تادیب مرا قبول کنید و نه نقره را، و معرفت را بیشتر از طلای خالص.
- ۱۱ زیرا که حکمت از لعلها بهتر است، و جمیع نفایس را به او برابر نتوان کرد.
- ۱۲ من حکمتم و در زیرکی سکونت دارم، و معرفت تدبیر را یافته ام.
- ۱۳ ترس خداوند، مکروه داشتن بدی است. غرور و تکبر و راه بد و دهان دروغگو را مکروه می دارم.
- ۱۴ مشورت و حکمت کامل از آن من است. من فهم هستم و قوت از آن من است.
- ۱۵ به من پادشاهان سلطنت می کنند، و داوران به عدالت فتوا می دهند.
- ۱۶ به من سروان حکمرانی می نمایند و شریفان و جمیع داوران جهان.
- ۱۷ من دوست می دارم آنانی را که مرا دوست می دارند. و هر که مرا به جد و جهد بطلبد مرا خواهد یافت.
- ۱۸ دولت و جلال با من است. توانگری جاودانی و عدالت.
- ۱۹ ثمره من از طلا و زرناب بهتر است، و حاصل من از نقره خالص.
- ۲۰ در طریق عدالت می خرامم، در میان راههای انصاف،

۲۱ تا مال حقیقی را نصیب محبان خود گردانم، و خزینه های ایشان را مملو سازم.

۲۲ خداوند مرا مبداء طریق خود داشت، قبل از اعمال خویش از ازل.

۲۳ من از ازل برقرار بودم، از ابتدا پیش از بودن جهان.

۲۴ هنگامی که لجه هان بود من مولود شدم، وقتی که چشمه های پراز آب

وجود نداشت.

۲۵ قبل از آنگاه کوهها برپا شود، پیش از تلها مولود گردیدم.

۲۶ چون زمین و صحراها را هنوز نساخته بود، و نه اول غبار ربع مسکون

را.

۲۷ وقتی که او آسمان را مستحکم ساخت من آنجا بودم، و هنگامی که

دایره را بر سطح لجه قرار داد.

۲۸ وقتی که افلاک را بالا استوار کرد، و چشمه های لجه را استوار

گردانید.

۲۹ چون به دریا حد قرار داد، تا آنها از فرمان او تجاوز نکنند، و زمانی

که بنیاد زمین را نهاد.

۳۰ آنگاه نزد او معمار بودم، و روز بروز شادی می نمودم، و همیشه به

حضور او اهتزاز می کردم.

۳۱ و اهتزاز من در آبادی زمین وی، و شادی من باینی آدم می بود.

۳۲ پس الانای پسران مرا بشنوید، و خوشحال آنانی که طریقهای مرا

نگاه دارند.

۳۳ تادیب را بشنوید و حکیم باشید، و آن را رد ننمایید.

۳۴ خوشحال کسی که مرا بشنود، و هر روز نزد درهای من دیده بانی

کند، و باهوهای دروازه های مرا محافظت نماید.

۳۵ زیرا هر که مرا یابد حیات را تحصیل کند، و رضامندی خداوند را

حاصل نماید.

۳۶ و اما کسی که مرا خطا کند، به جان خود ضرر رساند، و هر که مرا دشمن دارد، موت را دوست دارد.

۹

دعوت حکمت و جهالت

۱ حکمت، خانه خود را بنا کرده، و هفت ستونهای خویش را تراشیده است.
 ۲ ذبایح خود را ذبح نموده و شراب خود را ممزوج ساخته و سفره خود را نیز آراسته است.

۳ کنیزان خود را فرستاده، ندا کرده است، بر پشتهای بلند شهر.
 ۴ هر که جاهل باشد به اینجا بیاید، و هر که ناقص العقل است او را می گوید.

۵ بیابید از غذای من بخورید، و از شرابی که ممزوج ساخته ام بنوشید.
 ۶ جهالت را ترک کرده، زنده بمانید، و به طریق فهم سلوک نمایید.
 ۷ هر که استهزاکننده را تادیب نماید، برای خویشتن رسوایی را تحصیل کند، و هر که شریر را تنبیه نماید برای او عیب می باشد.
 ۸ استهزاکننده را تنبیه منما مبادا از تونفرت کند، اما مرد حکیم را تنبیه نما که تو را دوست خواهد داشت.

۹ مرد حکیم را پند ده که زیاده حکیم خواهد شد. مرد عادل را تعلیم ده که علمش خواهد افزود.
 ۱۰ ابتدای حکمت ترس خداوند است، و معرفت قدوس فطانت می باشد.

۱۱ زیرا که به واسطه من روزهای تو کثیر خواهد شد، و سالهای عمر از برایت زیاده خواهد گردید.

۱۲ اگر حکیم هستی، برای خویشتن حکیم هستی. و اگر استهزا نمایی به تنهایی متحمل آن خواهی بود.

۱۳ زن احمق یاوه گو است، جاهل است و هیچ نمی داند،

- ۱۴ و نزد در خانه خود می‌نشیند، در مکانهای بلند شهر بر کرسی،
 ۱۵ تا راه روندگان را بخواند، و آنانی را که به راههای خود برستی می‌روند.
 ۱۶ هر که جاهل باشد به اینجا برگردد، و به ناقص العقل می‌گوید:
 ۱۷ «آبهای دزدیده شده شیرین است، و نان خفیه لذیذ می‌باشد.»
 ۱۸ و او نمی‌داند که مردگان در آنجا هستند، و دعوت شدگان در عمقهای هاویه می‌باشند.

۱۰

امثال سلیمان

- ۱ امثال سلیمان: پسر حکیم پدر خود را مسرور می‌سازد، اما پسر احمق باعث حزن مادرش می‌شود.
 ۲ گنجهای شرارت منفعت ندارد، اما عدالت از موت رهایی می‌دهد.
 ۳ خداوند جان مرد عادل را نمی‌گذارد گرسنه بشود، اما آرزوی شیرین را باطل می‌سازد.
 ۴ کسی که به دست سست کار می‌کند فقیری گردد، اما دست چابک غنی می‌سازد.
 ۵ کسی که در تابستان جمع کند پسر عاقل است، اما کسی که در موسم حصاد می‌خوابد، پسر شرم‌آورنده است.
 ۶ بر سر عادلان برکت‌ها است، اما ظلم دهان شیرین را می‌پوشاند.
 ۷ یادگار عادلان مبارک است، اما اسم شیرین خواهد گندید.
 ۸ دانادل، احکام را قبول می‌کند، اما احمق پرگو تلف خواهد شد.
 ۹ کسی که به راستی راه رود، در امنیت سالک گردد، و کسی که راه خود را کج می‌سازد آشکار خواهد شد.
 ۱۰ هر که چشمک می‌زند الم می‌رساند، اما احمق پرگو تلف می‌شود.
 ۱۱ دهان عادلان چشمه حیات است، اما ظلم دهان شیرین را می‌پوشاند.
 ۱۲ بغض نزاعها می‌انگیزاند، اما محبت هر نگاه را مستور می‌سازد.

- ۱۳ در لبهای فطانت پیشگان حکمت یافت می‌شود، اما چوب به جهت پشت مرد ناقص العقل است.
- ۱۴ حکیمان علم را ذخیره می‌کنند، اما دهان احمق نزدیک به هلاکت است.
- ۱۵ اموال دولتمدان شهر حصاردار ایشان می‌باشد، اما بینوایی فقیران هلاکت ایشان است.
- ۱۶ عمل مرد عادل مودی به حیات است، اما محصول شریر به گناه می‌انجامد.
- ۱۷ کسی که تادیب را نگاه دارد در طریق حیات است، اما کسی که تنبیه را ترک نماید گمراه می‌شود.
- ۱۸ کسی که بغض را می‌پوشاند دروغگویی باشد. کسی که بهتان را شیوع دهد احمق است.
- ۱۹ کثرت کلام از گناه خالی نمی‌باشد، اما آنکه لبپایش را ضبط نماید عاقل است.
- ۲۰ زبان عادلان نقره خالص است، اما دل شریران لاشیء می‌باشد.
- ۲۱ لبهای عادلان بسیاری را رعایت می‌کند، اما احمقان از بی‌عقلی می‌میرند.
- ۲۲ برکت خداوند دولتمد می‌سازد، و هیچ زحمت بر آن نمی‌افزاید.
- ۲۳ جاهل در عمل بد اهتزاز دارد، و صاحب فطانت در حکمت.
- ۲۴ خوف شریران به ایشان می‌رسد، و آرزوی عادلان به ایشان عطا خواهد شد.
- ۲۵ مثل گذشتن گریه‌باز، شریر نابود می‌شود، اما مرد عادل بنیاد جاودانی است.
- ۲۶ چنانکه سرکه برای دندان و دود برای چشمان است، همچنین است مرد کاهل برای آنانی که او را می‌فرستند.
- ۲۷ ترس خداوند عمر را طویل می‌سازد، اما سالهای شریران کوتاه خواهد شد.
- ۲۸ انتظار عادلان شادمانی است، اما امیدشریران ضایع خواهد شد.

- ۲۹ طریق خداوند به جهت کاملان قلعه است، اما به جهت عاملان شر هلاکت می‌باشد.
- ۳۰ مرد عادل هرگز متحرک نخواهد شد، اما شیران در زمین ساکن نخواهند گشت.
- ۳۱ دهان صدیقان حکمت را می‌رویند، اما زبان دروغگویان از ریشه کنده خواهد شد.
- ۳۲ لب‌های عادلان به امور مرضیه عارف است، اما دهان شیران پر از دروغ‌ها است.

۱۱

- ۱ ترازوی با تقلب نزد خداوند مکروه است، اما سنگ تمام پسندیده او است.
- ۲ چون تکبر می‌آید نجات می‌آید، اما حکمت با متواضعان است.
- ۳ کاملیت راستان ایشان را هدایت می‌کند، اما کجی خیانتکاران ایشان را هلاک می‌سازد.
- ۴ توانگری در روز غضب منفعت ندارد، اما عدالت از موت رهایی می‌بخشد.
- ۵ عدالت مرد کامل طریق او را راست می‌سازد، اما شیر از شرارت خود هلاک می‌گردد.
- ۶ عدالت راستان ایشان را خلاصی می‌بخشد، اما خیانتکاران در خیانت خود گرفتار می‌شوند.
- ۷ چون مرد شیریمیرد امید او نابود می‌گردد، و انتظار زورآوران تلف می‌شود.
- ۸ مرد عادل از تنگی خلاص می‌شود و شیر به جای او می‌آید.
- ۹ مرد منافق به دهانش همسایه خود را هلاک می‌سازد، و عادلان به معرفت خویش نجات می‌یابند.
- ۱۰ از سعادت‌مندی عادلان، شهر شادی می‌کند، و از هلاکت شیران ابتهاج می‌نماید.

- ۱۱ از برکت راستان، شهر مرتفع می‌شود، اما از دهان شیران منهدم می‌گردد.
- ۱۲ کسی که همسایه خود را حقیر شمارد ناقص العقل می‌باشد، اما صاحب فطانت ساکت می‌ماند.
- ۱۳ کسی که به نمامی گردش می‌کند، سرها را فاش می‌سازد، اما شخص امین دل، امر را مخفی می‌دارد.
- ۱۴ جایی که تدبیر نیست مردم می‌افتند، اما سلامتی از کثرت مشیران است.
- ۱۵ کسی که برای غریب ضامن شود البته ضرر خواهد یافت، و کسی که ضمانت را مکروه دارد ایمن می‌باشد.
- ۱۶ زن نیکوسیرت عزت را نگاه می‌دارد، چنانکه زورآوران دولت را محافظت می‌نمایند.
- ۱۷ مرد رحیم به خویشتن احسان می‌نماید، اما مرد ستم کیش جسد خود را می‌رنجاند.
- ۱۸ شیر اجرت فریبنده تحصیل می‌کند، اما کارنده عدالت مزد حقیقی را.
- ۱۹ چنانکه عدالت مودی به حیات است، همچنین هر که شرارت را پیروی نماید او را به موت می‌رساند.
- ۲۰ کج خلقان نزد خداوند مکروهند، اما کاملان طریق پسندیده او می‌باشند.
- ۲۱ یقین شیریر مبرا نخواهد شد، اما ذریت عادلان نجات خواهند یافت.
- ۲۲ زن جمیله بی‌عقل حلقه زرین است در بینی گراز.
- ۲۳ آرزوی عادلان نیکوئی محض است، اما انتظار شیران، غضب می‌باشد.
- ۲۴ هستند که می‌پاشند و بیشتر می‌اندوزند و هستند که زیاده از آنچه شاید نگاه می‌دارند اما به نیازمندی می‌انجامد.
- ۲۵ شخص سخی فریه می‌شود، و هر که سیراب می‌کند خود نیز سیراب خواهد گشت.

- ۲۶ هر که غله را نگاه دارد مردم او را لعنت خواهند کرد، اما بر سر فروشنده آن برکت خواهد بود.
- ۲۷ کسی که نیکویی را بطلبد رضامندی را می جوید، و هر که بدی را بطلبد بر او عارض خواهد شد.
- ۲۸ کسی که بر توانگری خود توکل کند، خواهد افتاد، اما عادلان مثل برگ سبز شکوفه خواهند آورد.
- ۲۹ هر که اهل خانه خود را برنجانند نصیب او باد خواهد بود، و احمق بنده حکیم دلان خواهد شد.
- ۳۰ ثمره مرد عادل درخت حیات است، و کسی که جانها را صید کند حکیم است.
- ۳۱ اینک مرد عادل بر زمین جزا خواهد یافت، پس چند مرتبه زیاده مرد شریر و گناهکار.

۱۲

- ۱ هر که تادیب را دوست می دارد معرفت را دوست می دارد، اما هر که از تنبیه نفرت کند وحشی است.
- ۲ مرد نیکو رضامندی خداوند را تحصیل می نماید، اما او صاحب تدبیر فاسد را ملزم خواهد ساخت.
- ۳ انسان از بدی استوار نمی شود، اما ریشه عادلان جنبش نخواهد خورد.
- ۴ زن صالحه تاج شوهر خود می باشد، اما زنی که نخل سازد مثل پوسیدگی در استخوانهایش می باشد.
- ۵ فکرهای عادلان انصاف است، اما تدابیر شریران فریب است.
- ۶ سخنان شریران برای خون در کفین است، اما دهان راستان ایشان را رهایی می دهد.
- ۷ شریران واژگون شده، نیست می شوند، اما خانه عادلان برقرار می ماند.
- ۸ انسان بر حسب عقلش ممدوح می شود، اما کج دلان نخل خواهند گشت.

- ۹ کسی که حقیر باشد و خادم داشته باشد، بهتر است از کسی که خویشتن را برافرازد و محتاج نان باشد.
- ۱۰ مرد عادل برای جان حیوان خود تفکرمی کند، اما رحمت‌های شیران ستم‌گیشی است.
- ۱۱ کسی که زمین خود را زرع کند از نان سیر خواهد شد، اما هر که اباطیل را پیروی نماید ناقص العقل است.
- ۱۲ مرد شریر به شکار بدکاران طمع می‌ورزد، اما ریشه عادلان میوه می‌آورد.
- ۱۳ در تقصیر لبها دام مهلک است، اما مرد عادل از تنگی بیرون می‌آید.
- ۱۴ انسان از ثمره دهان خود از نیکویی سیرمی شود، و مکافات دست انسان به او رد خواهد شد.
- ۱۵ راه احمق در نظر خودش راست است، اما هر که نصیحت را بشنود حکیم است.
- ۱۶ غضب احمق فور آشکار می‌شود، اما خردمند نجالت را می‌پوشاند.
- ۱۷ هر که به راستی تنطق نماید عدالت را ظاهری کند، و شاهد دروغ، فریب را.
- ۱۸ هستند که مثل ضرب شمشیر حرفهای باطل می‌زنند، اما زبان حکیمان شفا می‌بخشد.
- ۱۹ لب راستگو تا به ابد استوار می‌ماند، اما زبان دروغگو طرفه العینی است.
- ۲۰ در دل هر که تدبیر فاسد کند فریب است، اما مشورت دهندگان صلح را شادمانی است.
- ۲۱ هیچ بدی به مرد صالح واقع نمی‌شود، اما شیران از بلا پر خواهند شد.
- ۲۲ لبهای دروغگو نزد خداوند مکروه است، اما عاملان راستی پسندیده او هستند.
- ۲۳ مرد زیرک علم را مخفی می‌دارد، اما دل احمقان حماقت را شایع می‌سازد.

- ۲۴ دست شخص زرنگ سلطنت خواهد نمود، اما مرد کاهل بندگی خواهد کرد.
- ۲۵ کدورت دل انسان، او را منحنی می‌سازد، اما سخن نیکو او را شادمان خواهد گردانید.
- ۲۶ مرد عادل برای همسایه خود هادی می‌شود، اما راه شیرین ایشان را گمراه می‌کند.
- ۲۷ مرد کاهل شکار خود را بریان نمی‌کند، اما زرنگی، توانگری گرانهای انسان است.
- ۲۸ در طریق عدالت حیات است، و درگذرگاههایش موت نیست.

۱۳

- ۱ پسر حکیم تادیب پدر خود را اطاعت می‌کند، اما استهزاکننده تهدید رانمی‌شوند.
- ۲ مرد از میوه دهانش نیکویی را می‌خورد، اما جان خیانتکاران، ظلم را خواهد خورد.
- ۳ هر که دهان خود را نگاه دارد جان خویش را محافظت نماید، اما کسی که لبهای خود را بگشاید هلاک خواهد شد.
- ۴ شخص کاهل آرزو می‌کند و چیزی پیدانمی‌کند. اما شخص زرنگ فربه خواهد شد.
- ۵ مرد عادل از دروغ گفتن نفرت دارد، اما شیریرسوا و نجمل خواهد شد.
- ۶ عدالت کسی را که در طریق خود کامل است محافظت می‌کند، اما شرارت، گناهکاران را هلاک می‌سازد.
- ۷ هستند که خود را دولتمند می‌شمارند و هیچ ندارند، و هستند که خویشان را فقیر می‌انگارند و دولت بسیار دارند.
- ۸ دولت شخص فدییه جان او خواهد بود، اما فقیر تهدید را نخواهد شنید.
- ۹ نور عادلان شادمان خواهد شد، اما چراغ شیرین خاموش خواهد گردید.

- ۱۰ از تکبر جز نزاع چیزی پیدا نمی شود، اما باآنانی که پند می پذیرند حکمت است.
- ۱۱ دولتی که از بطالت پیدا شود در تناقص می باشد، اما هر که به دست خود اندوزد در تزايد خواهد بود.
- ۱۲ امیدی که در آن تعویق باشد باعث بیماری دل است، اما حصول مراد درخت حیات می باشد.
- ۱۳ هر که کلام را خوار شمارد خویشتن را هلاک می سازد، اما هر که از حکم می ترسد ثواب خواهد یافت.
- ۱۴ تعلیم مرد حکیم چشمه حیات است، تا از دامهای مرگ رهایی دهد.
- ۱۵ عقل نیکو نعمت را می بخشد، اما راه خیانتکاران، سخت است.
- ۱۶ هر شخص زیرک با علم عمل می کند. اما احق حماقت را منتشر می سازد.
- ۱۷ قاصد شیر در بلا گرفتار می شود، اما رسول امین شفا می بخشد.
- ۱۸ فقر و اهانت برای کسی است که تادیب را ترک نماید، اما هر که تنبیه را قبول کند محترم خواهد شد.
- ۱۹ آرزویی که حاصل شود برای جان شیرین است، اما اجتناب از بدی، مکروه احقمان می باشد.
- ۲۰ با حکیمان رفتار کن و حکیم خواهی شد، اما رفیق جاهلان ضرر خواهد یافت.
- ۲۱ بلا نگاهکاران را تعاقب می کند، اما عادلان، جزای نیکو خواهند یافت.
- ۲۲ مرد صالح پسران پسران را ارث خواهد داد، و دولت نگاهکاران برای عادلان ذخیره خواهد شد.
- ۲۳ در مزرعه فقیران خوراک بسیار است، اما هستند که از بی انصافی هلاک می شوند.
- ۲۴ کسی که چوب را بازدارد، از پسر خویش نفرت می کند، اما کسی که او را دوست می دارد او را به سعی تمام تادیب می نماید.

۲۵ مرد عادل برای سیری جان خود می خورد، اما شکم شیران محتاج خواهد بود.

۱۴

- ۱ هر زن حکیم خانه خود را بنا می کند، اما زن جاهل آن را با دست خود خراب می نماید.
- ۲ کسی که به راستی خود سلوک می نماید از خداوند می ترسد، اما کسی که در طریق خود کج رفتار است او را تحقیر می نماید.
- ۳ در دهان احمق چوب تکبر است، اما لبهای حکیمان ایشان را محافظت خواهد نمود.
- ۴ جایی که گاو نیست، آخور پاک است، اما از قوت گاو، محصول زیاد می شود.
- ۵ شاهد امین دروغ نمی گوید، اما شاهد دروغ به کذب تنطق می کند.
- ۶ استهزاکننده حکمت را می طلبد و نمی یابد. اما به جهت مرد فهیم علم آسان است.
- ۷ از حضور مرد احمق دور شو، زیرا لبهای معرفت را در او نخواهی یافت.
- ۸ حکمت مرد زیرک این است که راه خود را درک نماید، اما حماقت احمقان فریب است.
- ۹ احمقان به نگاه استهزا می کنند، اما در میان راستان رضامندی است.
- ۱۰ دل شخص تلخی خویشتن را می داند، و غریب در خوشی آن مشارکت ندارد.
- ۱۱ خانه شیران منهدم خواهد شد، اما خیمه راستان شکوفه خواهد آورد.
- ۱۲ راهی هست که به نظر آدمی مستقیم می نماید، اما عاقبت آن، طرق موت است.
- ۱۳ هم در لهو و لعب دل غمگین می باشد، و عاقبت این خوشی حزن است.

- ۱۴ کسی که در دل مرتد است از راههای خودسیر می‌شود، و مرد صالح به خود سیر است.
- ۱۵ مرد جاهل هر سخن را باور می‌کند، اما مرد زیرک در رفتار خود تأمل می‌نماید.
- ۱۶ مرد حکیم می‌ترسد و از بدی اجتناب می‌نماید، اما احمق از غرور خود ایمن می‌باشد.
- ۱۷ مرد کج خلق، احمقانه رفتار می‌نماید، (و مردم) از صاحب سوظن نفرت دارند.
- ۱۸ نصیب جاهلان حماقت است، اما معرفت، تاج زیرکان خواهد بود.
- ۱۹ بدکاران در حضور نیکان خم می‌شوند، و شیرین نزد دروازه‌های عادلان می‌ایستند.
- ۲۰ همسایه فقیر نیز از او نفرت دارد، اما دوستان شخص دولتمند بسیارند.
- ۲۱ هر که همسایه خود را حقیر شمارد گناه می‌ورزد، اما خوشباجال کسی که بر فقیران ترحم نماید.
- ۲۲ آیا صاحبان تدبیر فاسد گمراه نمی‌شوند، اما برای کسانی که تدبیر نیکو می‌نمایند، رحمت و راستی خواهد بود.
- ۲۳ از هر مشقتی منفعت است، اما کلام لبها به فقر محض می‌انجامد.
- ۲۴ تاج حکیمان دولت ایشان است، اما حماقت احمقان حماقت محض است.
- ۲۵ شاهد امین جانها را نجات می‌بخشد، اما هر که به دروغ تنطق می‌کند فریب محض است.
- ۲۶ در ترس خداوند اعتماد قوی است، و فرزندان او را ملجأ خواهد بود.
- ۲۷ ترس خداوند چشمه حیات است، تا از دامهای موت اجتناب نمایند.
- ۲۸ جلال پادشاه از کثرت مخلوق است، و شکستگی سلطان از کمی مردم است.
- ۲۹ کسی که دیرغضب باشد کثیرالفهم است، و کج خلق حماقت را به نصیب خود می‌برد.
- ۳۰ دل آرام حیات بدن است، اما حسدپوسیدگی استخوانها است.

- ۳۱ هر که بر فقیر ظلم کند آفریننده خود را حقیر می‌شمارد، و هر که بر مسکین ترحم کند او را تجید می‌نماید.
- ۳۲ شیریر از شرارت خود به زیر افکنده می‌شود، اما مرد عادل چون بمیرد اعتماد دارد.
- ۳۳ حکمت در دل مرد فهیم ساکن می‌شود، اما در اندرون جاهلان آشکار می‌گردد.
- ۳۴ عدالت قوم را رفیع می‌گرداند، اما نگاه برای قوم، عار است.
- ۳۵ رضامندی پادشاه بر خادم عاقل است، اما غضب او بر پست فطرتان.

۱۵

- ۱ جواب نرم خشم را برمی‌گرداند، اما سخن تلخ غیظ را به هیجان می‌آورد.
- ۲ زبان حکیمان علم را زینت می‌بخشد، اما دهان احمقان به حماقت تنطق می‌نماید.
- ۳ چشمان خداوند در همه جاست، و بر بدان و نیکان می‌نگرد.
- ۴ زبان ملایم، درخت حیات است و بجای آن، شکستگی روح است.
- ۵ احمق تادیب پدر خود را خوار می‌شمارد، اما هر که تنبیه را نگاه دارد زیرک می‌باشد.
- ۶ در خانه مرد عادل گنج عظیم است، اما محصول شیران، کدورت است.
- ۷ لبهای حکیمان معرفت را منتشر می‌سازد، اما دل احمقان، مستحکم نیست.
- ۸ قربانی شیران نزد خداوند مکروه است، اما دعای راستان پسندیده اوست.
- ۹ راه شیران نزد خداوند مکروه است، اما پیروان عدالت را دوست می‌دارد.
- ۱۰ برای هر که طریق را ترک نماید تادیب سخت است، و هر که از تنبیه نفرت کند خواهد مرد.

- ۱۱ هاویه و ابدون در حضور خداوند است، پس چند مرتبه زیاده دلهای بنی آدم.
- ۱۲ استهزاکننده تنبیه را دوست ندارد، و نزد حکیمان نخواهد رفت.
- ۱۳ دل شادمان چهره را زینت می‌دهد، اما از تلخی دل روح منکسر می‌شود.
- ۱۴ دل مرد فهیم معرفت را می‌طلبد، اما دهان احمقان حماقت را می‌چرد.
- ۱۵ تمامی روزهای مصیبت کشان بد است، اما خوشی دل ضیافت دائمی است.
- ۱۶ اموال اندک با ترس خداوند بهتر است از گنج عظیم با اضطراب.
- ۱۷ خوان بقول در جایی که محبت باشد بهتر است، از گاو پرواری که با آن عداوت باشد.
- ۱۸ مرد تندخو نزاع را برمی‌انگیزد، اما شخص دیرغضب خصومت را ساکن می‌گرداند.
- ۱۹ راه کاهلان مثل خار بست است، اما طریق راستان شاهراه است.
- ۲۰ پسر حکیم پدر را شادمان می‌سازد، اما مرد احمق مادر خویش را حقیر می‌شمارد.
- ۲۱ حماقت در نظر شخص ناقص العقل خوشی است، اما مرد فهیم به راستی سلوک می‌نماید.
- ۲۲ از عدم مشورت، تدبیرها باطل می‌شود، اما از کثرت مشورت دهندگان برقرار می‌ماند.
- ۲۳ برای انسان از جواب دهانش شادی حاصل می‌شود، و سخنی که در مجلس گفته شود چه بسیار نیکو است.
- ۲۴ طریق حیات برای عاقلان به سوی بالا است، تا از هاویه اسفل دور شود.
- ۲۵ خداوند خانه متکبران را منهدم می‌سازد، اما حدود بیوه‌زن را استوار می‌نماید.
- ۲۶ تدبیرهای فاسد نزد خداوند مکروه است، اما سخنان پسندیده برای طاهران است.

- ۲۷ کسی که حریص سود باشد خانه خود رامکدر می‌سازد، اما هر که از هدیه‌ها نفرت دارد خواهد زیست.
- ۲۸ دل مرد عادل در جواب دادن تفکر می‌کند، اما دهان شیران، چیزهای بد را جاری می‌سازد.
- ۲۹ خداوند از شیران دور است، اما دعای عادلان را می‌شنود.
- ۳۰ نور چشمان دل را شادمان می‌سازد، و خبر نیکو استخوانها را پر مغز می‌نماید.
- ۳۱ گوشی که تنبیه حیات را بشنود، در میان حکیمان ساکن خواهد شد.
- ۳۲ هر که تادیب را ترک نماید، جان خود را حقیر می‌شمارد، اما هر که تنبیه را بشنود عقل را تحصیل می‌نماید.
- ۳۳ ترس خداوند ادیب حکمت است، و تواضع پیشرو حرمت می‌باشد.

۱۶

- ۱ تدبیرهای دل از آن انسان است، اما تنطق زبان از جانب خداوند می‌باشد.
- ۲ همه راههای انسان در نظر خودش پاک است، اما خداوند روحها را ثابت می‌سازد.
- ۳ اعمال خود را به خداوند تفویض کن، تافکرهای تو استوار شود.
- ۴ خداوند هر چیز را برای غایت آن ساخته است، و شیران را نیز برای روز بلا.
- ۵ هر که دل مغرور دارد نزد خداوند مکروه است، و او هرگز مبرا نخواهد شد.
- ۶ از رحمت و راستی، گناه کفاره می‌شود، و به ترس خداوند، از بدی اجتناب می‌شود.
- ۷ چون راههای شخص پسندیده خداوند باشد، دشمنانش را نیز با وی به مصالحه می‌آورد.
- ۸ اموال اندک که با انصاف باشد بهتر است، از دخل فراوان بدون انصاف.
- ۹ دل انسان در طریقهش تفکر می‌کند، اما خداوند قدمایش را استوار می‌سازد.

- ۱۰ وحی بر لبهای پادشاه است، و دهان او درداوری تجاوز نمی نماید.
- ۱۱ ترازو و سنگهای راست از آن خداوند است و تمامی سنگهای کیسه صنعت وی می باشد.
- ۱۲ عمل بد نزد پادشاهان مکروه است، زیرا که کرسی ایشان از عدالت برقرار می ماند.
- ۱۳ لبهای راستگو پسندیده پادشاهان است، و راستگویان را دوست می دارند.
- ۱۴ غضب پادشاهان، رسولان موت است امامرد حکیم آن را فرو می نشاند.
- ۱۵ در نور چهره پادشاه حیات است، و رضامندی او مثل ابر نوبهاری است.
- ۱۶ تحصیل حکمت از زر خالص چه بسیار بهتر است، و تحصیل فهم از نقره برگزیده تر.
- ۱۷ طریق راستان، اجتناب نمودن از بدی است، و هر که راه خود را نگاه دارد جان خویش را محافظت می نماید.
- ۱۸ تکبر پیش رو هلاکت است، و دل مغرور پیش رو خرابی.
- ۱۹ با تواضع نزد حلیمان بودن بهتر است، از تقسیم نمودن غنیمت با متکبران.
- ۲۰ هر که در کلام تعقل کند سعادت مندی خواهد یافت، و هر که به خداوند توکل نماید خوشبخت خواهد بود.
- ۲۱ هر که دل حکیم دارد فهم خوانده می شود، و شیرینی لبها علم را می افزاید.
- ۲۲ عقل برای صاحبش چشمه حیات است، اما تادیب احمقان، حماقت است.
- ۲۳ دل مرد حکیم دهان او را عاقل می گرداند، و علم را بر لبایش می افزاید.
- ۲۴ سخنان پسندیده مثل شان غسل است، برای جان شیرین است و برای استخوانها شفا دهنده.

- ۲۵ راهی هست که در نظر انسان راست است، اما عاقبت آن راه، موت می‌باشد.
- ۲۶ اشتباهی کارگر برایش کار می‌کند، زیرا که دهانش او را بر آن تحریض می‌نماید.
- ۲۷ مرد لئیم شرارت را می‌اندیشد، و برلبه‌ایش مثل آتش سوزنده است.
- ۲۸ مرد دروغگو نزاع می‌پاشد، و تمام دوستان خالص را از همدیگر جدا می‌کند.
- ۲۹ مرد ظالم همسایه خود را اغوا می‌نماید، و او را به راه غیر نیکو هدایت می‌کند.
- ۳۰ چشمان خود را بر هم می‌زند تا دروغ را اختراع نماید، و لبه‌ایش را می‌خاید و بدی را به انجام می‌رساند.
- ۳۱ سفیدمویی تاج جمال است، هنگامی که در راه عدالت یافت شود.
- ۳۲ کسی که دیرغضب باشد از جبار بهتر است، و هر که بر روح خود مالک باشد از تسخیرکننده شهر افضل است.
- ۳۳ قرعه در دامن انداخته می‌شود، لیکن تمامی حکم آن از خداوند است.

۱۷

- ۱ لقمه خشک با سلامتی، بهتر است از خانه پر از ضیافت با مخاصمت.
- ۲ بنده عاقل بر پسر پست فطرت مسلط خواهد بود، و میراث را با برادران تقسیم خواهد نمود.
- ۳ بوته برای نقره و کوره به جهت طلا است، اما خداوند امتحان کننده دلها است.
- ۴ شریر به لبهای دروغگو اصغا می‌کند، و مرد کاذب به زبان فتنه‌انگیز گوش می‌دهد.
- ۵ هر که فقیر را استهزا کند آفریننده خویش رامدمت می‌کند، و هر که از بلا خوش می‌شود بی‌سزا نخواهد ماند.
- ۶ تاج پیران، پسران پسرانند، و جلال فرزندان، پدران ایشانند.

- ۷ کلام کبرآمیز احمق را نمی‌شاید، و چندمرتبه زیاده لبه‌ای دروغگو نجبا را.
- ۸ هدیه در نظر اهل آن سنگ گرانها است که هر کجا توجه نماید برخوردار می‌شود.
- ۹ هر که گاهی را مستور کند طالب محبت می‌باشد، اما هر که امری را تکرار کند دوستان خالص را از هم جدا می‌سازد.
- ۱۰ یک ملامت به مرد فهمی اثر می‌کند، بیشتر از صد تازیانه به مرد جاهل.
- ۱۱ مرد شیرطالب فتنه است و بس. لهذا قصد ستمکیش نزد او فرستاده می‌شود.
- ۱۲ اگر خرسی که بچه هایش کشته شود به انسان برخورد، بهتر است از مرد احمق در حماقت خود.
- ۱۳ کسی که به عوض نیکویی بدی می‌کند بلا از خانه او دور نخواهد شد.
- ۱۴ ابتدای نزاع مثل رخنه کردن آب است، پس مخاصمه را ترک کن قبل از آنکه به مجادله برسد.
- ۱۵ هر که شیر را عادل شمارد و هر که عادل را ملزم سازد، هر دوی ایشان نزد خداوند مکروهند.
- ۱۶ قیمت به جهت خریدن حکمت چرا به دست احمق باشد؟ و حال آنکه هیچ فهم ندارد.
- ۱۷ دوست خالص در همه اوقات محبت می‌نماید، و برادر به جهت تنگی مولود شده است.
- ۱۸ مرد ناقص العقل دست می‌دهد و در حضور همسایه خود ضامن می‌شود.
- ۱۹ هر که معصیت را دوست دارد منازعه را دوست می‌دارد، و هر که در خود را بلند سازد خرابی را می‌طلبد.
- ۲۰ کسی که دل کج دارد نیکویی را نخواهد یافت. و هر که زبان دروغگو دارد در بلا گرفتار خواهد شد.

- ۲۱ هر که فرزند احمق آورد برای خویشتن غم پیدا می کند، و پدر فرزند ابله شادی نخواهد دید.
- ۲۲ دل شادمان شفای نیکو می بخشد، اما روح شکسته استخوانها را خشک می کند.
- ۲۳ مرد شریر رشوه را از بغل می گیرد، تاراههای انصاف را منحرف سازد.
- ۲۴ حکمت در مد نظر مرد فهم است، اما چشمان احمق در اقصای زمین می باشد.
- ۲۵ پسر احمق برای پدر خویش حزن است، و به جهت مادر خویش تلخی است.
- ۲۶ عادلان را نیز سرزنش نمودن خوب نیست، و نه ضرب زدن به نجبا به سبب راستی ایشان.
- ۲۷ صاحب معرفت سخنان خود را بازمی دارد، و هر که روح حلیم دارد مرد فطانت پیشه است.
- ۲۸ مرد احمق نیز چون خاموش باشد او را حکیم می شمارند، و هر که لبهای خود را می بندد فهم است.

۱۸

مرد معتزل، هوس خود را طالب

- ۱ می باشد، و به هر حکمت صحیح مجادله می کند.
- ۲ احمق از فطانت مسرور نمی شود، مگر تا آنکه عقل خود را ظاهر سازد.
- ۳ هنگامی که شریر می آید، حقارت هم می آید، و با اهانت، نجالت می رسد.
- ۴ سخنان دهان انسان آب عمیق است، و چشمه حکمت، نهر جاری است.
- ۵ طرفداری شیرین برای منحرف ساختن داوری عادلان نیکو نیست.
- ۶ لبهای احمق به منازعه داخل می شود، و دهانش برای ضربها صدا می زند.
- ۷ دهان احمق هلاکت وی است، و لبهایش برای جان خودش دام است.
- ۸ سخنان تمام مثل لقمه های شیرین است، و به عمق شکم فرو می رود.

- ۹ او نیز که در کار خود اهمال می کند برادرهلاک کننده است.
- ۱۰ اسم خداوند برج حصین است که مرد عادل در آن می دود و ایمن می باشد.
- ۱۱ توانگری شخص دولتمند شهر محکم او است، و در تصور وی مثل حصار بلند است.
- ۱۲ پیش از شکستگی، دل انسان متکبر می گردد، و تواضع مقدمه عزت است.
- ۱۳ هر که سخنی را قبل از شنیدنش جواب دهد برای وی حماقت و عار می باشد.
- ۱۴ روح انسان بیماری او را متحمل می شود، اما روح شکسته را کیست که متحمل آن بشود.
- ۱۵ دل مرد فهیم معرفت را تحصیل می کند، و گوش حکیمان معرفت را می طلبد.
- ۱۶ هدیه شخص، از برایش وسعت پیدای کند و او را به حضور بزرگان می رساند.
- ۱۷ هر که در دعوی خود اول آید صادق می نماید، اما حریفش می آید و او را می آزماید.
- ۱۸ قرعه نزاعها را ساکت می نماید و زورآوران را از هم جدا می کند.
- ۱۹ برادر رنجیده از شهر قوی سختتر است، و منازعت با او مثل پشت بندهای قصر است.
- ۲۰ دل آدمی از میوه دهانش پرمی شود و از محصول لبایش، سیر می گردد.
- ۲۱ موت و حیات در قدرت زبان است، و آنانی که آن را دوست می دارند میوه اش را خواهند خورد.
- ۲۲ هر که زوجه ای یابد چیز نیکو یافته است، و رضامندی خداوند را تحصیل کرده است.
- ۲۳ مرد فقیر به تضرع تکلم می کند، اما شخص دولتمند به سختی جواب می دهد.

۲۴ کسی که دوستان بسیار دارد خویشتن را هلاک می کند، اما دوستی هست که از برادرچسبنده تر می باشد.

۱۹

۱ فقیری که در کاملیت خود سالک است، از دروغگویی که احمق باشد بهتر است.

۲ دلی نیز که معرفت ندارد نیکو نیست و هر که به پایهای خویش می شتابد گاه می کند.

۳ حماقت انسان، راه او را کج می سازد، و دلش از خداوند خشنماک می شود.

۴ توانگری دوستان بسیار پیدا می کند، اما فقیر از دوستان خود جدا می شود.

۵ شاهد دروغگویی سزا نخواهد ماند، و کسی که به دروغ تنطق کند رهایی نخواهد یافت.

۶ بسیاری پیش امیران تذلل می نمایند، و همه کس دوست بذل کننده است.

۷ جمیع برادران مرد فقیر از او نفرت دارند، و به طریق اولی دوستانش از او دور می شوند، ایشان را به سخنان، تعاقب می کند و نیستند.

۸ هر که حکمت را تحصیل کند جان خود را دوست دارد. و هر که فطانت را نگاه دارد، سعادت مندی خواهد یافت.

۹ شاهد دروغگویی سزا نخواهد ماند، و هر که به کذب تنطق نماید هلاک خواهد گردید.

۱۰ عیش و عشرت احمق را نمی شاید، تا چه رسد به غلامی که بر نجبا حکمرانی می کند.

۱۱ عقل انسان خشم او را نگاه می دارد، و گذشتن از تقصیر جلال او است.

۱۲ خشم پادشاه مثل غرش شیر است، و رضامندی او مثل شبنم بر گیاه است.

- ۱۳ پسر جاهل باعث الم پدرش است، و نزاعهای زن مثل آبی است که دائم در چکیدن باشد.
- ۱۴ خانه و دولت ارث اجدادی است، اما زوجه عاقله از جانب خداوند است.
- ۱۵ کاهلی خواب سنگین می آورد، و شخص اهمال کار، گرسنه خواهد ماند.
- ۱۶ هر که حکم را نگاه دارد جان خویش را محافظت می نماید، اما هر که طریق خود را سبک گیرد، خواهد مرد.
- ۱۷ هر که بر فقیر ترحم نماید به خداوند قرض می دهد، و احسان او را به او رد خواهد نمود.
- ۱۸ پسر خود را تادیب نما زیرا که امید هست، اما خود را به کشتن او وامدار.
- ۱۹ شخص تندخو متحمل عقوبت خواهد شد، زیرا اگر او را خلاصی دهی آن را باید مکرر بجا آوری.
- ۲۰ پند را بشنو و تادیب را قبول نما، تا در عاقبت خود حکیم بشوی.
- ۲۱ فکرهای بسیار در دل انسان است، اما آنچه ثابت ماند مشورت خداوند است.
- ۲۲ زینت انسان احسان او است، و فقیر از دروغگو بهتر است.
- ۲۳ ترس خداوند مودی به حیات است، و هر که آن را دارد در سیری ساکن می ماند، و به هیچ بلا گرفتار نخواهد شد.
- ۲۴ مرد کاهل دست خود را در بغلش پنهان می کند، و آن را هم به دهان خود بر نمی آورد.
- ۲۵ استهزاکننده را تادیب کن تا جاهلان زیرک شوند، و شخص فهیم را تنبیه نما و معرفت را درک خواهد نمود.
- ۲۶ هر که بر پدر خود ستم کند و مادرش را براند، پسری است که رسوایی و نجات می آورد.

۲۷ ای پسر من شنیدن تعلیمی را ترک نما، که تو را از کلام معرفت
گمراه می‌سازد.
۲۸ شاهد لئیم انصاف را استهزا می‌کند، و دهان شیران نگاه را می‌بلعد.
۲۹ قصاص به جهت استهزاکنندگان مهیاست، و تازیانه‌ها برای پشت
احمقان.

۲۰

۱ شراب استهزا می‌کند و مسکرات عربده می‌آورد، و هر که به آن فریفته
شود حکیم نیست.
۲ هیبت پادشاه مثل غرش شیر است، و هر که خشم او را به هیجان
آورد، به جان خود خطامی ورزد.
۳ از نزاع دور شدن برای انسان عزت است، اما هر مرد احمق مجادله
می‌کند.
۴ مرد کاهل به سبب زمستان شیار نمی‌کند، لهذا در موسم حصاد گدایی
می‌کند و نمی‌یابد.
۵ مشورت در دل انسان آب عمیق است، اما مرد فهیم آن را می‌کشد.
۶ بسا کسانند که هر یک احسان خویش را اعلام می‌کنند، اما مرد امین
را کیست که پیدا کند.
۷ مرد عادل که به کاملیت خود سلوک نماید، پسرانش بعد از او نجسته
خواهند شد.
۸ پادشاهی که بر کرسی داوری نشیند، تمامی بدی را از چشمان خود
پراکنده می‌سازد.
۹ کیست که تواند گوید: «دل خود را طاهر ساختم، و از نگاه خویش
پاک شدم.»
۱۰ سنگهای مختلف و پیمانه‌های مختلف، هر دوی آنها نزد خداوند مکروه
است.

- ۱۱ طفل نیز از افعالش شناخته می‌شود، که آیا اعمالش پاک و راست است یا نه.
- ۱۲ گوش شنوا و چشم بینا، خداوند هر دو آنها را آفریده است.
- ۱۳ خواب را دوست مدار مبادا فقیر شوی. چشمان خود را باز کن تا از نان سیر گردی.
- ۱۴ مشتری می‌گوید بد است، بد است، اما چون رفت آنگاه نفر می‌کند.
- ۱۵ طلا هست و لعلها بسیار، اما لبهای معرفت جواهر گرانبها است.
- ۱۶ جامه آنکس را بگیر که به جهت غریب ضامن است، و او را به رهن بگیر که ضامن بیگانگان است.
- ۱۷ نان فریب برای انسان لذیذ است، اما بعد دهانش از سنگ ریزه‌ها پر خواهد شد.
- ۱۸ فکرها به مشورت محکم می‌شود، و باحسن تدبیر جنگ نما.
- ۱۹ کسی که به نمایی گردش کند اسرار را فاش می‌نماید، لذا با کسی که لبهای خود را می‌گشاید معاشرت منما.
- ۲۰ هر که پدر و مادر خود را لعنت کند چراغش در ظلمت غلیظ خاموش خواهد شد.
- ۲۱ اموالی که اولاً به تعجیل حاصل می‌شود، عاقبتش مبارک نخواهد شد.
- ۲۲ مگو که از بدی انتقام خواهم کشید، بلکه برخداوند توکل نما و تو را نجات خواهد داد.
- ۲۳ سنگهای مختلف نزد خداوند مکروه است، و ترازوهای متقلب نیکو نیست.
- ۲۴ قدمهای انسان از خداوند است، پس مرد راه خود را چگونه بفهمد؟
- ۲۵ شخصی که چیزی را به تعجیل مقدس می‌گوید، و بعد از نذر کردن استفسار می‌کند، دردام می‌افتد.
- ۲۶ پادشاه حکیم شریران را پراکنده می‌سازد و چوم را برایشان می‌گرداند.

- ۲۷ روح انسان، چراغ خداوند است که تمامی عمقهای دل را تفتیش می‌نماید.
- ۲۸ رحمت و راستی پادشاه را محافظت می‌کند، و کرسی او به رحمت پایدار خواهد ماند.
- ۲۹ جلال جوانان قوت ایشان است، و عزت پیران موی سفید.
- ۳۰ ضربهای سخت از بدی طاهر می‌کند و تازیانه‌ها به عمق دل فرو می‌رود.

۲۱

- ۱ دل پادشاه مثل نه‌های آب در دست خداوند است، آن را به هر سو که بخواهد برمی‌گرداند.
- ۲ هر راه انسان در نظر خودش راست است، اما خداوند دلها را می‌آزماید.
- ۳ عدالت و انصاف را بجا آوردن، نزد خداوند از قربانی‌ها پسندیده تر است.
- ۴ چشمان بلند و دل متکبر و چراغ شریران، گناه است.
- ۵ فکرهای مرد زرنگ تمام به فراخی می‌انجامد، اما هر که عجز باشد برای احتیاج تعجیل می‌کند.
- ۶ تحصیل گنجها به زبان دروغگو، بخاری است بر هوا شده برای جویندگان موت.
- ۷ ظلم شریران ایشان را به هلاکت می‌اندازد، زیرا که از بجا آوردن انصاف ابا می‌نمایند.
- ۸ طریق مردی که زیر بار (باشد بسیار کج است، اما اعمال مرد طاهر، مستقیم است.
- ۹ در زاویه پشت بام ساکن شدن بهتر است، از ساکن بودن با زن ستیزه گر در خانه مشترک.
- ۱۰ جان شریر مشتاق شرارت است، و بر همسایه خود ترحم نمی‌کند.

- ۱۱ چون استهزاکننده سیاست یابد جاهلان حکمت می آموزند، و چون مرد حکیم تربیت یابد معرفت را تحصیل می نماید.
- ۱۲ مرد عادل در خانه شریر تامل می کند که چگونه اشرار به تباهی واژگون می شوند.
- ۱۳ هر که گوش خود را از فریاد فقیر می بندد، او نیز فریاد خواهد کرد و مستجاب نخواهد شد.
- ۱۴ هدیه ای در خفا خشم را فرو می نشاند، ورشوه ای در بغل، غضب سخت را.
- ۱۵ انصاف کردن خرمی عادلان است، اما باعث پریشانی بدکاران می باشد.
- ۱۶ هر که از طریق تعقل گمراه شود، در جماعت مردگان ساکن خواهد گشت.
- ۱۷ هر که عیش را دوست دارد محتاج خواهد شد، و هر که شراب و روغن را دوست دارد دولت مند نخواهد گردید.
- ۱۸ شریران فدیة عادلان می شوند و خیانتکاران به عوض راستان.
- ۱۹ در زمین بایر ساکن بودن بهتر است از بودن با زن ستیزه گر و جنگجوی.
- ۲۰ در منزل حکیمان خزانه مرغوب و روغن است، اما مرد احمق آنها را تلف می کند.
- ۲۱ هر که عدالت و رحمت را متابعت کند، حیات و عدالت و جلال خواهد یافت.
- ۲۲ مرد حکیم به شهر جباران بر خواهد آمد، و قلعه اعتماد ایشان را به زیر می اندازد.
- ۲۳ هر که دهان و زبان خویش را نگاه دارد، جان خود را از تنگیها محافظت می نماید.
- ۲۴ مرد متکبر و مغرور مسمی به استهزاکننده می شود، و به افزونی تکبر عمل می کند.

۲۵ شہوت مرد کاهل او را می کشد، زیرا کہ دستپایش از کار کردن ابا می نماید.

۲۶ هستند کہ همه اوقات بہ شدت حریص می باشند، اما مرد عادل بذل می کند و امساک نمی نماید.

۲۷ قربانی های شیران مکروه است، پس چند مرتبہ زیادہ ہنگامی کہ بہ عوض بدی آنها را می گذرانند.

۲۸ شاہد دروغگو ہلاک می شود، اما کسی کہ استماع نماید بہ راستی تکلم خواهد کرد.

۲۹ مرد شیرروی خود را بی حیا می سازد، و مرد راست، طریق خویش را مستحکم می کند.

۳۰ حکمتی نیست و نہ فطانتی و نہ مشورتی کہ بہ ضد خداوند بہ کار آید.

۳۱ اسب برای روز جنگ مہیا است، اما نصرت از جانب خداوند است.

۲۲

۱ نیک نامی از کثرت دولتندی افضل است، و فیض از نقرہ و طلا بہتر.

۲ دولتند و فقیر با ہم ملاقات می کنند، آفرینندہ ہر دوی ایشان خداوند است.

۳ مرد زیرک، بلا را می بیند و خویشتن را مخفی می سازد و جاہلان می گذرند و در عقوبت گرفتار می شوند.

۴ جزای تواضع و خداترسی، دولت و جلال و حیات است.

۵ خارها و دامہا در راہ کجروان است، اما ہر کہ جان خود را نگاہ دارد از آنها دور می شود.

۶ طفل را در راہی کہ باید برود تربیت ثناء، و چون پیر ہم شود از آن انحراف نخواہد ورزید.

۷ توانگر بر فقیر تسلط دارد، و مدیون غلام طلب کار می باشد.

۸ ہر کہ ظلم بکارد بلا خواہد دروید، و عصای غضبش زایل خواہد شد.

۹ شخصی که نظر او باز باشد مبارک خواهد بود، زیرا که از نان خود به فقرا می‌دهد.

۱۰ استهزاکننده را دور نما و نزاع رفع خواهد شد، و مجادله و نجات ساکت خواهد گردید.

۱۱ هر که طهارت دل را دوست دارد، و لبهای ظریف دارد پادشاه دوست او می‌باشد.

۱۲ چشمان خداوند معرفت را نگاه می‌دارد و سخنان خیانتکاران را باطل می‌سازد.

۱۳ مرد کاهل می‌گوید شیر بیرون است، و در کوزه‌ها کشته می‌شوم.

۱۴ دهان زنان بیگانه چاه عمیق است، و هر که مغضوب خداوند باشد در آن خواهد افتاد.

۱۵ حماقت در دل طفل بسته شده است، اما چوب تادیب آن را از او دور خواهد کرد.

۱۶ هر که بر فقیر برای فایده خویش ظلم نماید، و هر که به دولت‌مندان بچشد البته محتاج خواهد شد.

کلام حکما

۱۷ گوش خود را فرا داشته، کلام حکما را بشنو، و دل خود را به تعلیم

من مایل گردان،

۱۸ زیرا پسندیده است که آنها را در دل خود نگاه داری، و بر لب‌هایت جمیع ثابت ماند،

۱۹ تا اعتماد تو بر خداوند باشد. امروز تو را تعلیم دادم،

۲۰ آیا امور شریف را برای تو ننوشتیم؟ شامل بر مشورت معرفت،

۲۱ تا قانون کلام راستی را اعلام نمایم، و تو کلام راستی را نزد فرستندگان

خود پس ببری؟

۲۲ فقیر را از آن جهت که ذلیل است تاراج منما، و مسکین را در

دربار، ستم مرسان،

- ۲۳ زیرا خداوند دعوی ایشان را فیصل خواهد نمود، و جان تاراج کنندگان ایشان را به تاراج خواهد داد.
- ۲۴ با مرد تندخو معاشرت مکن، و با شخص کج خلق همراه مباش،
- ۲۵ مبادا راههای او را آموخته شوی و جان خود را در دام گرفتار سازی.
- ۲۶ از جمله آنانی که دست می دهند مباش و نه از آنانی که برای قرضها ضامن می شوند.
- ۲۷ اگر چیزی نداری که ادا نمایی پس چرا بستر تو را از زیرت بردارد.
- ۲۸ حد قدیمی را که پدران قرار داده اند منتقل مساز.
- ۲۹ آیا مردی را که در شغل خویش ماهر باشدی بینی؟ او در حضور پادشاهان خواهد ایستاد، پیش پست فطرتان نخواهد ایستاد.

۲۳

- ۱ چون با حاکم به غذا خوردن نشینی، در آنچه پیش روی تو است تامل نما.
- ۲ و اگر مرد اکول هستی کارد بر گلوی خود بگذار.
- ۳ به خوراکیهای لطیف او حریص مباش، زیرا که غذای فریبنده است.
- ۴ برای دولتمند شدن خود را زحمت مرسان و از عقل خود باز ایست.
- ۵ آیا چشمان خود را بر آن خواهی دوخت که نیست می باشد؟ زیرا که دولت البته برای خودباها می سازد، و مثل عقاب در آسمان می پرد.
- ۶ نان مرد تنگ نظر را مخور، و به جهت خوراکیهای لطیف او حریص مباش.
- ۷ زیرا چنانکه در دل خود فکر می کند خود او همچنان است. تو را می گوید: بخور و بنوش، اما دلش با تو نیست.
- ۸ لقمه ای را که خورده ای قی خواهی کرد، و سخنان شیرین خود را بر باد خواهی داد.
- ۹ به گوش احمق سخن مگو، زیرا حکمت کلامت را خوار خواهد شمرد.
- ۱۰ حد قدیم را منتقل مساز، و به مزرعه یتیمان داخل مشو،

- ۱۱ زیرا که ولی ایشان زور آور است، و با تو درد عوی ایشان مقاومت خواهد کرد.
- ۱۲ دل خود را به ادب مایل گردان، و گوش خود را به کلام معرفت.
- ۱۳ از طفل خود تادیب را باز مدار که اگر او را با چوب بزنی نخواهد مرد،
 ۱۴ پس او را با چوب بزنی، و جان او را از هاویه نجات خواهی داد.
- ۱۵ ای پسر من اگر دل تو حکیم باشد، دل من (بلی دل) من شادمان خواهد شد.
- ۱۶ و گرده هایم وجد خواهد نمود، هنگامی که لبهای تو به راستی متکلم شود.
- ۱۷ دل تو به جهت نگاهکاران غیور نباشد، اما به جهت ترس خداوند تمامی روز غیور باش،
 ۱۸ زیرا که البته آخرت هست، و امید تو منقطع نخواهد شد.
- ۱۹ پس توای پسرم بشنو و حکیم باش، و دل خود را در طریق مستقیم گردان.
- ۲۰ از زمره میگساران مباش، و از آنانی که بدنهای خود را تلف می کنند.
- ۲۱ زیرا که میگسار و مسرف، فقیر می شود و صاحب خواب به خرقة‌ها ملبس خواهد شد.
- ۲۲ پدر خویش را که تو را تولید نمود گوش گیر، و مادر خود را چون پیر شود خوار مشمار.
- ۲۳ راستی را بخر و آن را مفروش، و حکمت و ادب و فهم را.
- ۲۴ پدر فرزند عادل به غایت شادمان می شود، و والد پسر حکیم از او مسرور خواهد گشت.
- ۲۵ پدرت و مادرت شادمان خواهند شد، و والده تو مسرور خواهد گردید.

۲۶ ای پسر دل خود را به من بده، و چشمان تو به راههای من شاد باشد،

۲۷ چونکه زن زانیه حفره‌ای عمیق است، و زن بیگانه چاه تنگ.

۲۸ او نیز مثل راهزن در کمین می‌باشد، و خیانتکاران را در میان مردم

می‌افزاید.

۲۹ وای از آن کیست و شقاوت از آن که نزاعها از آن کدام و زاری

از آن کیست و جراحت های بی‌سبب از آن که و سرخی چشمان از آن کدام؟

۳۰ آنانی را است که شرب مدام می‌نمایند، و برای چشیدن شراب ممزوج

داخل می‌شوند.

۳۱ به شراب نگاه مکن وقتی که سرخ‌فام است، حینی که حبابهای خود

را در جام ظاهر می‌سازد، و به ملایمت فرو می‌رود.

۳۲ اما در آخر مثل مار خواهد گزید، و مانند‌ای نیش خواهد زد.

۳۳ چشمان تو چیزهای غریب را خواهد دید، و دل تو به چیزهای عجیب

تنطق خواهد نمود،

۳۴ و مثل کسی که در میان دریا می‌خوابد خواهی شد، یا مانند کسی که

بر سر دکل کشتی می‌خسبد،

۳۵ و خواهی گفت: مرا زدند لیکن درد را احساس نکردم، مرا زجر

نمودند لیکن نفهمیدم. پس کی بیدار خواهیم شد؟ همچنین معاودت می‌کنم

و بار دیگر آن را می‌طلبم.

۲۴

۱ بر مردان شریر حسد مبر، و آرزو مدارتا با ایشان معاشرت نمایی،

۲ زیرا که دل ایشان در ظلم تفکر می‌کند و لبهای ایشان درباره مشقت

تکلم می‌نماید.

۳ خانه به حکمت بنا می‌شود، و با فطانت استوار می‌گردد،

- ۴ و به معرفت اطاقها پر می شود، از هر گونه اموال گرانها و نفایس.
- ۵ مرد حکیم در قدرت می ماند، و صاحب معرفت در توانایی ترقی می کند،
- ۶ زیرا که با حسن تدبیر باید جنگ بکنی، و از کثرت مشورت دهندگان نصرت است.
- ۷ حکمت برای احمق زیاده بلند است، دهان خود را در دربار باز نمی کند.
- ۸ هر که برای بدی تفکر می کند، او را فتنه انگیزی گویند.
- ۹ فکر احمقان نگاه است، و استهزا کننده نزد آدمیان مکروه است.
- ۱۰ اگر در روز تنگی سستی نمایی، قوت تو تنگ می شود.
- ۱۱ آنانی را که برای موت برده شوند خلاص کن، و از رهانیدن آنانی که برای قتل میباند کوتاهی منما.
- ۱۲ اگر گویی که این را ندانستیم، آیا آزماینده دلها نمی فهمد؟ و حافظ جان تو نمی داند؟ و به هر کس بر حسب اعمالش مکافات نخواهد داد؟
- ۱۳ ای پسر من غسل را بخور زیرا که خوب است، و شان غسل را چونکه به کامت شیرین است.
- ۱۴ همچنین حکمت را برای جان خود بیاموز، اگر آن را بیابی آنگاه اجرت خواهد بود، و امید تو منقطع نخواهد شد.
- ۱۵ ای شیربر برای منزل مرد عادل در کمین مباش، و آرامگاه او را خراب مکن،
- ۱۶ زیرا مرد عادل اگرچه هفت مرتبه بیفتد خواهد برخاست، اما شیربران در بلا خواهند افتاد.
- ۱۷ چون دشمنت بیفتد شادی مکن، و چون بلغزد دلت وجد ننماید،
- ۱۸ مبادا خداوند این را ببیند و در نظرش ناپسند آید، و غضب خود را از او برگرداند.
- ۱۹ خویشتن را به سبب بدکاران رنجیده مساز، و بر شیربان حسد مبر،

۲۰ زیرا که به جهت بدکاران اجر نخواهد بود، و چراغ شیرین خاموش خواهد گردید.
 ۲۱ ای پسر من از خداوند و پادشاه بترس، و بامفسدان معاشرت منما،
 ۲۲ زیرا که مصیبت ایشان ناگهان خواهد برخاست، و عاقبت سالهای ایشان را کیست که بداند؟

بقیه سخنان حکیمان

۲۳ اینها نیز از (حکیمان است طرفداری در داوری نیکو نیست.
 ۲۴ کسی که به شیریر بگوید تو عادل هستی، امتها او را لعنت خواهند کرد و طوایف از او نفرت خواهند نمود.
 ۲۵ اما برای آنانی که او را توبیخ نمایند شادمانی خواهد بود، و برکت نیکو به ایشان خواهد رسید.
 ۲۶ آنکه به کلام راست جواب گوید لها رامی بوسد.
 ۲۷ کار خود را در خارج آراسته کن، و آن را در ملک میا ساز، و بعد از آن خانه خویش را بنا نما.
 ۲۸ بر همسایه خود بی جهت شهادت مده، و بالبهای خود فریب مده،
 ۲۹ و مگو به طوری که او به من عمل کرد من نیز با وی عمل خواهم نمود، و مرد را بر حسب اعمالش پاداش خواهم داد.
 ۳۰ از مزرعه مرد کاهل، و از تاکستان شخص ناقص العقل گذشتم.
 ۳۱ و اینک بر تمامی آن خارها می روید، و خس تمامی روی آن را می پوشانید، و دیوار سنگیش خراب شده بود،
 ۳۲ پس من نگرسته متفکر شدم، ملاحظه کردم و ادب آموختم.
 ۳۳ اندکی خفت و اندکی خواب، و اندکی بر هم نهادن دستها به جهت خواب.
 ۳۴ پس فقر تو مثل راهزن بر تو خواهد آمد، و نیازمندی تو مانند مرد مسلح.

۲۵

سایر امثال سلیمان

- ۱ اینها نیز از امثال سلیمان است که مردان حزقیاء، پادشاه یهودا آنها را نقل نمودند.
- ۲ مخفی داشتن امر جلال خدا است، و تفحص نمودن امر جلال پادشاهان است.
- ۳ آسمان را در بلندیش و زمین را در عمقش، ودل پادشاهان را تفتیش نتوان نمود.
- ۴ درد را از نقره دور کن، تا ظرفی برای زرگریرون آید.
- ۵ شیریان را از حضور پادشاه دور کن، تا کرسی او در عدالت پایدار بماند.
- ۶ در حضور پادشاه خویشتن را برمیفراز، و در جای بزرگان مایست،
- ۷ زیرا بهتر است تو را گفته شود که اینجا بالابیا، از آنکه به حضور سروری که چشمانت او رادیده است تو را پایین برند.
- ۸ برای نزاع به تعجیل بیرون مرو، مبادا در آخرش چون همسایه ات تو را نجل سازد، ندانی که چه باید کرد.
- ۹ دعوی خود را با همسایه ات بکن، اما رازدیگری را فاش مساز،
- ۱۰ مبادا هر که بشنود تو را ملامت کند، و بدنامی تو رفع نشود.
- ۱۱ سخنی که در محلس گفته شود، مثل سیبهای طلا در مرصعکاری نقره است.
- ۱۲ مودب حکیم برای گوش شنوا، مثل حلقه طلا و زیور زر خالص است.
- ۱۳ رسول امین برای فرستندگان خود، چون خنکی یخ در موسم حصاد می باشد، زیرا که جان آفایان خود را تازه می کند.
- ۱۴ کسی که از بخششهای فریبنده خود نخرمی کند، مثل ابرها و باد بی باران است.

- ۱۵ با تحمل داور را به رای خود توان آورد، وزبان ملائم، استخوان را می شکند.
- ۱۶ اگر غسل یافتی بقدر کفایت بخور، مبادا از آن پر شده، قی کنی.
- ۱۷ پای خود را از زیاد رفتن به خانه همسایه ات باز دار، مبادا از تو سیر شده، از تونفرت نماید.
- ۱۸ کسی که درباره همسایه خود شهادت دروغ دهد، مثل تبرزین و شمشیر و تبر تیز است.
- ۱۹ اعتماد بر خیانتکار در روز تنگی، مثل دندان کرم زده و پای مرتعش می باشد.
- ۲۰ سرآیدن سروردها برای دلتنگ، مثل کندن جامه در وقت سرما و ریختن سرکه بر شوره است.
- ۲۱ اگر دشمن تو گرسنه باشد او را نان بخوران، و اگر تشنه باشد او را آب بنوشان،
- ۲۲ زیرا اخگرها بر سرش خواهی انباشت، و خداوند تو را پاداش خواهد داد.
- ۲۳ چنانکه باد شمال باران می آورد، همچنان زبان غیبتگو چهره را خشمناک می سازد.
- ۲۴ ساکن بودن در گوشه پشت بام بهتر است از بودن با زن جنگجو در خانه مشترک.
- ۲۵ خبر خوش از ولایت دور، مثل آب سرد برای جان تشنه است.
- ۲۶ مرد عادل که پیش شریر خم شود، مثل چشمه گل آلود و منبع فاسد است.
- ۲۷ زیاد غسل خوردن خوب نیست، همچنان طلبیدن جلال خود جلال نیست.
- ۲۸ کسی که بر روح خود تسلط ندارد، مثل شهر منهدم و بی حصار است.

۲۶

- ۱ چنانکه برف در تابستان و باران در حصاد، همچنین حرمت برای احمق شایسته نیست.

- ۲ لعنت، بی سبب نمی آید، چنانکه گنجشک در طیران و پرستوک در پریدن.
- ۳ شلاق به جهت اسب و لگام برای الاغ، و چوب از برای پشت احمقان است.
- ۴ احمق را موافق حماقتش جواب مده، مباداتو نیز مانند او بشوی.
- ۵ احمق را موافق حماقتش جواب بده، مبادا خویشتن را حکیم بشمارد.
- ۶ هر که پیغامی به دست احمق بفرستد، پایهای خود را می برد و ضرر خود را می نوشد.
- ۷ ساقهای شخص لنگ بی تمکین است، و مثلی که از دهان احمق برآید همچنان است.
- ۸ هر که احمق را حرمت کند، مثل کیسه جواهر در توده سنگها است.
- ۹ مثلی که از دهان احمق برآید، مثل خاری است که در دست شخص مست رفته باشد.
- ۱۰ تیرانداز همه را مجروح می کند، همچنان است هر که احمق را به مزد گیرد و خطا کاران را اجیر نماید.
- ۱۱ چنانکه سگ به قی خود برمی گردد، همچنان احمق حماقت خود را تکرار می کند.
- ۱۲ آیا شخصی را می بینی که در نظر خود حکیم است، امید داشتن بر احمق از امید بر او بیشتر است.
- ۱۳ کاهل می گوید که شیر در راه است، و اسد در میان کوجهها است.
- ۱۴ چنانکه در برپاشنه اش می گردد، همچنان کاهل بر بستر خویش.
- ۱۵ کاهل دست خود را در قاب فرو می برد و از برآوردن آن به دهانش خسته می شود.
- ۱۶ کاهل در نظر خود حکیمتر است از هفت مرد که جواب عاقلانه می دهند.
- ۱۷ کسی که برود و در نزاعی که به او تعلق ندارد متعرض شود، مثل کسی است که گوشهای سگ را بگیرد.
- ۱۸ آدم دیوانه ای که مشعلها و تیرها و موت را می اندازد،

- ۱۹ مثل کسی است که همسایه خود را فریب دهد، و می گوید آیا شوخی نمی کردم؟
- ۲۰ از نبودن هیزم آتش خاموش می شود، و از نبودن نمام منازعه ساکت می گردد.
- ۲۱ زغال برای اخگرها و هیزم برای آتش است، و مرد فتنه انگیز به جهت برانگیختن نزاع.
- ۲۲ سخنان نمام مثل خوراک لذیذ است، که به عمقهای دل فرو می رود.
- ۲۳ لبهای پر محبت با دل شیرین، مثل نقره ای پردرد است که بر ظرف سفالین اندوده شود.
- ۲۴ هر که بغض دارد با لبهای خود نیرنگ می نماید، و در دل خود فریب را ذخیره می کند.
- ۲۵ هنگامی که سخن نیکو گوید، او را باور مکن زیرا که در قلبش هفت چیز مکروه است.
- ۲۶ هر چند بغض او به حيله مخفی شود، اما خباثت او در میان جماعت ظاهر خواهد گشت.
- ۲۷ هر که حفره ای بکند در آن خواهد افتاد، و هر که سنگی بغلطاند بر او خواهد برگشت.
- ۲۸ زبان دروغگو از مجروح شدگان خود نفرت دارد، و دهان چاپلوس هلاکت را ایجاد می کند.

۲۷

- ۱ درباره فردا نخر نمنا، زیرا نمی دانی که روز چه خواهد زاید.
- ۲ دیگری تو را بستاند و نه دهان خودت، غریبی و نه لبهای تو.
- ۳ سنگ سنگین است و ریگ ثقیل، اما خشم احق از هر دوی آنها سنگینتر است.
- ۴ غضب ستم کیش است و خشم سیل، اما کیست که در برابر حسد تواند ایستاد.

- ۵ تنبیه آشکار از محبت پنهان بهتر است.
- ۶ جراحات دوست وفادار است، اما بوسه های دشمن افراط است.
- ۷ شکم سیر از شان عسل کراهت دارد، اما برای شکم گرسنه هر تلخی شیرین است.
- ۸ کسی که از مکان خود آواره بشود، مثل گنجشکی است که از آشیانه اش آواره گردد.
- ۹ روغن و عطر دل را شاد می کند، همچنان حلاوت دوست از مشورت دل.
- ۱۰ دوست خود و دوست پدرت را ترک ننما، و در روز مصیبت خود به خانه برادرت داخل مشو، زیرا که همسایه نزدیک از برادر دور بهتر است.
- ۱۱ ای پسر من حکمت پیاموز و دل مرا شاد کن، تا ملامت کنندگان خود را مجاب سازم.
- ۱۲ مرد زیرک، بلا را می بیند و خویشتن را مخفی می سازد، اما جاهلان می گذرند و در عقوبت گرفتار می شوند.
- ۱۳ جامه آن کس را بگیر که به جهت غریب ضامن است، و او را به رهن بگیر که ضامن بیگانگان است.
- ۱۴ کسی که صبح زود برخاسته، دوست خود را به آواز بلند برکت دهد، از برایش لعنت محسوب می شود.
- ۱۵ چکیدن دائمی آب در روز باران، وزن ستیزه جو مشابه اند.
- ۱۶ هر که او را بازدارد مثل کسی است که باد رانگاه دارد، یا روغن را که در دست راست خود گرفته باشد.
- ۱۷ آهن، آهن را تیز می کند، همچنین مرد روی دوست خود را تیز می سازد.
- ۱۸ هر که درخت انجیر را نگاه دارد میوه اش را خواهد خورد، و هر که آقای خود را ملازمت نماید محترم خواهد شد.
- ۱۹ چنانکه در آب صورت به صورت است، همچنان دل انسان به انسان.
- ۲۰ هاویه و ابدون سیر نمی شوند، همچنان چشمان انسان سیر نخواهند شد.

- ۲۱ بوته برای نقره و کوره به جهت طلاست، همچنان انسان از دهان ستایش کنندگان خود(آزموده می‌شود).
- ۲۲ احمق را میان بلغور در هاون با دسته بکوب، و حماقتش از آن بیرون نخواهد رفت.
- ۲۳ به حالت گله خود نیکو توجه نما، و دل خود را به رمه خود مشغول ساز،
- ۲۴ زیرا که دولت دائمی نیست، و تاج هم نسل‌بعد نسل (پایدار) نی.
- ۲۵ علف را می‌برند و گیاه سبز می‌روید، و علوفه کوهها جمع می‌شود،
- ۲۶ بره‌ها برای لباس تو، و بزها به جهت اجاره زمین به کار می‌آیند،
- ۲۷ و شیربزها برای خوراک تو و خوراک خاندانت، و معیشت کنیزانت کفایت خواهد کرد.

۲۸

- شیران می‌گیرند جایی که
- ۱ تعاقب کننده‌ای نیست، اما عادلان مثل شیر شجاعند.
- ۲ از معصیت اهل زمین حاکمانش بسیاری شوند، اما مرد فهم و دانا استقامتش برقرار خواهد ماند.
- ۳ مرد رئیس که بر مسکینان ظلم می‌کند مثل باران است که سیلان کرده، خوراک باقی نگذارد.
- ۴ هر که شریعت را ترک می‌کند شیران را می‌ستاید، اما هر که شریعت را نگاه دارد از ایشان نفرت دارد.
- ۵ مردمان شیر انصاف را درک نمی‌نمایند، اما طالبان خداوند همه چیز را می‌فهمند.
- ۶ فقیری که در کاملیت خود سلوک نماید بهتر است از کج رونده دوراه اگرچه دولت‌مند باشد.
- ۷ هر که شریعت را نگاه دارد پسری حکیم است، اما مصاحب مسرفان، پدر خویش را رسوای سازد.

- ۸ هر که مال خود را به ربا و سود بیفزاید، آن را برای کسی که بر فقیران
ترحم نماید، جمع می نماید.
- ۹ هر که گوش خود را از شنیدن شریعت برگرداند، دعای او هم مکروه
می شود.
- ۱۰ هر که راستان را به راه بد گمراه کند به حفره خود خواهد افتاد، اما
صالحان نصیب نیکو خواهند یافت.
- ۱۱ مرد دولتمند در نظر خود حکیم است، اما فقیر خردمند او را تفتیش
خواهد نمود.
- ۱۲ چون عادلان شادمان شوند نعر عظیم است، اما چون شیران
برافراشته شوند مردمان خود را مخفی می سازند.
- ۱۳ هر که نگاه خود را پوشاند بر خوردار نخواهد شد، اما هر که آن را
اعتراف کند و ترک نماید رحمت خواهد یافت.
- ۱۴ خوشبحال کسی که دائم می ترسد، اما هر که دل خود را سخت سازد
به بلا گرفتار خواهد شد.
- ۱۵ حاکم شیر بر قوم مسکین، مثل شیر غرنده و خرس گردنده است.
- ۱۶ حاکم ناقص العقل بسیار ظلم می کند، اما هر که از رشوه نفرت کند
عمر خود را دراز خواهد ساخت.
- ۱۷ کسی که متحمل بار خون شخصی شود، به هاویه می شتابد. زنهار
کسی او را باز ندارد.
- ۱۸ هر که به استقامت سلوک نماید رستگار خواهد شد، اما هر که در دو
راه کج رو باشد در یکی از آنها خواهد افتاد.
- ۱۹ هر که زمین خود را زرع نماید از نان سیر خواهد شد، اما هر که پیروی
باطلان کند از فقر سیر خواهد شد.
- ۲۰ مرد امین برکت بسیار خواهد یافت، اما آنکه در پی دولت می شتابد
بی سزا نخواهد ماند.
- ۲۱ طرفداری نیکو نیست، و به جهت لقمه ای نان، آدمی خطاکار
می شود.

- ۲۲ مرد تنگ نظر در پی دولت می شتابد و نمی داند که نیازمندی او را در خواهد یافت.
- ۲۳ کسی که آدمی را تنبیه نماید، آخر شکر خواهد یافت، بیشتر از آنکه به زبان خود چاپلوسی می کند.
- ۲۴ کسی که پدر و مادر خود را غارت نماید و گوید نگاه نیست، مصاحب هلاک کنندگان خواهد شد.
- ۲۵ مرد حریص نزاع را برمی انگیزاند، اما هر که بر خداوند توکل نماید قوی خواهد شد.
- ۲۶ آنکه بر دل خود توکل نماید احمق می باشد، اما کسی که به حکمت سلوک نماید نجات خواهد یافت.
- ۲۷ هر که به فقرا بذل نماید محتاج نخواهد شد، اما آنکه چشمان خود را بپوشاند لعنت بسیار خواهد یافت.
- ۲۸ وقتی که شیرین برافراشته شوند مردم خویشتن را پنهان می کنند، اما چون ایشان هلاک شوند عادلان افزوده خواهند شد.

۲۹

- ۱ کسی که بعد از تنبیه بسیار گردنکشی می کند، ناگهان منکسر خواهد شد و علاجی نخواهد بود.
- ۲ چون عادلان افزوده گردند قوم شادی می کنند، اما چون شیرین تسلط یابند مردم ناله می نمایند.
- ۳ کسی که حکمت را دوست دارد پدر خویش را مسرور می سازد، اما کسی که با فاحشه ها معاشرت کند اموال را تلف می نماید.
- ۴ پادشاه ولایت را به انصاف پایدار می کند، اما مرد رشوه خوار آن را ویران می سازد.
- ۵ شخصی که همسایه خود را چاپلوسی می کند دام برای پایپایش می گستراند.
- ۶ در معصیت مرد شیر دمی است، اما عادل ترنم و شادی خواهد نمود.

- ۷ مرد عادل دعوی فقیر را درک می کند، اما شیریر برای دانستن آن فهم ندارد.
- ۸ استیزا کنندگان شهر را به آشوب می آورند، اما حکیمان خشم را فرومی نشانند.
- ۹ اگر مرد حکیم با احمق دعوی دارد، خواه غضبناک شود خواه بخندد او را راحت نخواهد بود.
- ۱۰ مردان خون ریز از مرد کامل نفرت دارند، اما راستان سلامتی جان او را طالبند.
- ۱۱ احمق تمامی خشم خود را ظاهر می سازد، اما مرد حکیم به تاخیر آن را فرومی نشانند.
- ۱۲ حاکی که به سخنان دروغ گوش گیرد، جمیع خادمانش شیریر خواهند شد.
- ۱۳ فقیر و ظالم با هم جمع خواهند شد، و خداوند چشمان هر دوی ایشان را روشن خواهد ساخت.
- ۱۴ پادشاهی که مسکینان را به راستی داوری نماید، کرسی وی تا به ابد پایدار خواهد ماند.
- ۱۵ چوب و تنبیه، حکمت می بخشد، اما پسری که بی لگام باشد، مادر خود را بخجل خواهد ساخت.
- ۱۶ چون شیران افزوده شوند تقصیر زیاده می گردد، اما عادلان، افتادن ایشان را خواهند دید.
- ۱۷ پسر خود را تادیب نما که تو را راحت خواهد رسانید، و به جان تو لذات خواهد بخشید.
- ۱۸ جایی که رویا نیست قوم گردنکش می شوند، اما خوشحال کسی که شریعت را نگاه می دارد.
- ۱۹ خادم، محض سخن متنبه نمی شود، زیرا اگرچه بفهمد اجابت نمی نماید.
- ۲۰ آیا کسی را می بینی که در سخن گفتن عجز است، امید بر احمق زیاده است از امید براو.

- ۲۱ هر که خادم خود را از طفولیت به نازمی پرورد، آخر پسر او خواهد شد.
- ۲۲ مرد تندخو نزاع برمی انگیزاند، و شخص سچ خلق در تقصیر می افزاید.
- ۲۳ تکبر شخص او را پست می کند، اما مرد حلیم دل، به جلال خواهد رسید.
- ۲۴ هر که با دزد معاشرت کند خویشتن رادشمن دارد، زیرا که لعنت می شنود و اعتراف نمی نماید.
- ۲۵ ترس از انسان دام می گستراند، اما هر که برخداوند توکل نماید سرافراز خواهد شد.
- ۲۶ بسیاری لطف حاکم را می طلبند، اما داوری انسان از جانب خداوند است.
- ۲۷ مرد ظالم نزد عادلان مکروه است، و هر که در طریق، مستقیم است نزد شریان مکروه می باشد.

۳۰

کلمات آکور

- ۱ کلمات و پیغام آکور بن یاقه. وحی آن مرد به ایتییل یعنی به ایتییل و اکال.
- ۲ یقین من از هر آدمی وحشی تر هستم، و فهم انسان را ندارم.
- ۳ من حکمت را نیاموخته ام و معرفت قدوس را ندانسته ام.
- ۴ کیست که به آسمان صعود نمود و از آنجا نزول کرد؟ کیست که باد را در مشت خود جمع نمود؟ و کیست که آب را در جامه بند نمود؟ کیست که تمامی اقصای زمین را استوار ساخت؟ نام او چیست و پسر او چه اسم دارد؟ بگو اگر اطلاع داری.
- ۵ تمامی کلمات خدا مصفی است. او به جهت متوکلان خود سپر است.
- ۶ به سخنان او چیزی میفزاید، مبادا تو را توییخ نماید و تکذیب شوی.
- ۷ دو چیز از تو درخواست نمودم، آنها را قبل از آنکه بمیرم از من بازمدار:

- ۸ بطالت و دروغ را از من دور کن، مرا نه فقرد و نه دولت. به خوراکی که نصیب من باشد مرا بیور،
- ۹ مبادا سیر شده، تو را انکار نمایم و بگویم که خداوند کیست. و مبادا فقیر شده، دزدی نمایم، واسم خدای خود را به باطل برم.
- ۱۰ بنده را نزد آقایش متهم مساز، مبادا تو را لعنت کند و مجرم شوی.
- ۱۱ گروهی می‌باشند که پدر خود را لعنت می‌نمایند، و مادر خویش را برکت نمی‌دهند.
- ۱۲ گروهی می‌باشند که در نظر خود پاک‌اند، اما از نجاست خود غسل نیافته‌اند.
- ۱۳ گروهی می‌باشند که چشمانشان چه قدر بلند است، و مژگانشان چه قدر برافراشته.
- ۱۴ گروهی می‌باشند که دندانهایشان شمشیرها است، و دندانهای آسیای ایشان کاردهاتا فقیران را از روی زمین و مسکینان را از میان مردمان بچورند.
- ۱۵ زالورا دو دختر است که بده بده می‌گویند. سه چیز است که سیر نمی‌شود، بلکه چهار چیز که نمی‌گوید که کافی است:
- ۱۶ هاویه و رحم نازاد، و زمینی که از آب سیر نمی‌شود، و آتش که نمی‌گوید که کافی است.
- ۱۷ چشمی که پدر را استهزا می‌کند و اطاعت مادر را خوار می‌شمارد، غرابهای وادی آن را خواهند کند و بچه‌های عقاب آن را خواهند خورد.
- ۱۸ سه چیز است که برای من زیاده عجیب است، بلکه چهار چیز که آنها را نتوانم فهمید:
- ۱۹ طریق عقاب در هوا و طریق مار بر صخره، و راه کشتی در میان دریا و راه مرد با دختر باکره.
- ۲۰ همچنان است طریق زن زانیه، می‌خورد و دهان خود را پاک می‌کند و می‌گوید نگاه نکردم.

- ۲۱ به سبب سه چیز زمین متزلزل می شود، و به سبب چهار که آنها را تحمل
تواند کرد:
- ۲۲ به سبب غلامی که سلطنت می کند، واحقی که از غذا سیر شده
باشد،
- ۲۳ به سبب زن مکروهه چون منکوحه شود، و کنیز وقتی که وارث خاتون
خود گردد.
- ۲۴ چهار چیز است که در زمین بسیار کوچک است، لیکن بسیار حکیم
می باشد:
- ۲۵ مورچه ها طایفه بی قوتند، لیکن خوراک خود را در تابستان ذخیره
می کنند.
- ۲۶ ونکها طایفه ناتوانند، اما خانه های خود را در صخره می گذارند.
- ۲۷ ملخها را پادشاهی نیست، اما جمیع آنها دسته دسته بیرون می روند.
- ۲۸ چلباسه ها به دستهای خود می گیرند و در قصرهای پادشاهان می باشند.
- ۲۹ سه چیز است که خوش خرام است، بلکه چهار چیز که خوش قدم
می باشد:
- ۳۰ شیر که در میان حیوانات توانا تر است، و از هیچکدام روگردان نیست.
- ۳۱ تازی و یزنر، و پادشاه که با او مقاومت نتوان کرد.
- ۳۲ اگر از روی حماقت خویشتن را برافراشته ای و اگر بد اندیشیده ای،
پس دست بردهان خود بگذار،
- ۳۳ زیرا چنانکه از فشردن شیر، پنیر بیرون می آید، و از فشردن بینی، خون
بیرون می آید، همچنان از فشردن غضب نزع بیرون می آید.

۳۱

کلام لموئیل پادشاه

- ۱ کلام لموئیل پادشاه، پیغامی که مادرش به او تعلیم داد.
- ۲ چه گویم ای پسر من، چه گویم ای پسر رحم من! و چه گویم ای پسر
نذرهای من!

- ۳ قوت خود را به زنان مده، و نه طریقه‌های خویش را به آنچه باعث هلاکت پادشاهان است.
- ۴ پادشاهان را نمی‌شایدای لموئیل، پادشاهان را نمی‌شاید که شراب بنوشند، و نه امیران را که مسکرات را بخوانند.
- ۵ مبادا بنوشند و فرایض را فراموش کنند، و داوری جمیع ذلیلان را منحرف سازند.
- ۶ مسکرات را به آنانی که مشرف به هلاکتند بده. و شراب را به تلخ جانان،
- ۷ تا بنوشند و فقر خود را فراموش کنند، و مشقت خویش را دیگر بیاد نیاورند.
- ۸ دهان خود را برای گنگان باز کن، و برای دادرسی جمیع بیچارگان.
- ۹ دهان خود را باز کرده، به انصاف داوری نما، و فقیر و مسکین را دادرسی فرما.
- ۱۰ زن صالحه را کیست که پیدا تواند کرد؟ قیمت او از لعلها گرانتر است.
- ۱۱ دل شوهرش بر او اعتماد دارد، و محتاج منفعت نخواهد بود.
- ۱۲ برایش تمامی روزهای عمر خود، خوبی خواهد کرد و نه بدی.
- ۱۳ پشم و گان را می‌جوید. و به دستهای خود با رغبت کار می‌کند.
- ۱۴ او مثل کشتیهای تجار است، که خوراک خود را از دور می‌آورد.
- ۱۵ وقتی که هنوز شب است برمی‌خیزد، و به اهل خانه‌اش خوراک و به کنیزانش حصه ایشان را می‌دهد.
- ۱۶ درباره مزرعه فکر کرده، آن را می‌خرد، و از کسب دستهای خود تا کستان غرس می‌نماید.
- ۱۷ کمر خود را با قوت می‌بندد، و بازوهای خویش را قوی می‌سازد.
- ۱۸ تجارت خود را می‌بیند که نیکو است، و چراغش در شب خاموش نمی‌شود.
- ۱۹ دستهای خود را به دوک دراز می‌کند، و انگشتهایش چرخ را می‌گیرد.

- ۲۰ کفهای خود را برای فقیران مبسوطی سازد، و دستهای خویش را برای مسکینان دراز می‌نماید.
- ۲۱ به جهت اهل خانه‌اش از برف نمی‌ترسد، زیرا که جمیع اهل خانه او به اطلس ملبس هستند.
- ۲۲ برای خود اسبابهای زینت می‌سازد. لباسش از گنجان نازک و ارغوان می‌باشد.
- ۲۳ شوهرش در دربارها معروف می‌باشد، و در میان مشایخ ولایت می‌نشیند.
- ۲۴ جامه‌های گنجان ساخته آنها را می‌فروشد، و کمربندها به تاجران می‌دهد.
- ۲۵ قوت و عزت، لباس او است، و درباره وقت آینده می‌خندد.
- ۲۶ دهان خود را به حکمت می‌گشاید، و تعلیم محبت‌آمیز بر زبان وی است.
- ۲۷ به رفتار اهل خانه خود متوجه می‌شود، و خوراک کاهلی نمی‌خورد.
- ۲۸ پسرانش برخاسته، او را خوشحال می‌گویند، و شوهرش نیز او را می‌ستاید.
- ۲۹ دختران بسیار اعمال صالحه نمودند، اما تو بر جمیع ایشان برتری داری.
- ۳۰ جمال، فریبنده و زیبایی، باطل است، اما زنی که از خداوند می‌ترسد ممدوح خواهد شد.
- ۳۱ وی را از ثمره دستهایش بدهید و اعمالش او را نزد دروازه‌ها بستاید.

قدیم ترجمہ

**The Old Persian Version of the Holy Bible in the
Persian language of Iran**

Public Domain

Language: فارسی (Persian)

Translation by: Wycliffe Bible Translators

2015-04-21

PDF generated using Haiola and XeLaTeX on 1 Oct 2024 from source files
dated 31 Aug 2023

42cf233a-073b-5751-ab25-e35dacee289f